ما شاء الله لا قوة الا بالله

الحمد لله که از تصنیف جناب قاضی محمد ثناء الله صاحب مغفور رسالہ

تذکرة الموتی والقبور

باہتمام [illegible] محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مرحوم

در مطبع نظامی واقع کانپور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الآخرة وهو الذی یثبت الذین آمنوا
بالقول الثابت فی الدنیا والآخرة والصلوة والسلام علی محمد ن المبعوث بخیر الادیان لصلاح الدنیا والآخرة
بعد از حمد وصلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی پانی پتی مجددی میگوید که مردن امریست لابدی
لا مفر منه وذکر موت واحوال آن یاد داشتن باعث رفع غفلت وموجب برکات ست لهذا رساله
بزبان فارسی در احوال موت واموات وقبور از کلام امام المتاخرین شیخ جلال الدین سیوطی
رحمة الله علیه استفاده نموده مینویسید تا فیض آن عام شود **باب بدأ الموت** ابن ابی شیبه
از حسن بصری روایت کرده است که حق تعالی چون آدم وذریت او را پیدا کرد ملائکه گفتند الهی
زمین اینها را گنجایش نخواهد کرد حق تعالی فرمود که در اینها موت گردانم گفتند پس اینها را زندگی
گوارا نشود فرمود که اینها را طول امل دهم واحمد از مجاهد ذکر کرده که چون حق تعالی آدم را بزمین
فرستاد فرمود ابن للخراب ولد للموت **مسئله** تمنی موت ودعا بدان برای رنج ومصیبت
جائز نیست در صحیحین از انس مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آرزوی موت
برای رنج نکنید اگر ناچار باشید بگویید اللهم احینی ما کانت الحیوة خیرا لی وتوفنی اذا کانت الوفاة
خیرا لی در نهی از تمنی موت احادیث بسیار اند اگر نکوکار ست شاید نکوئی زیاده کند واگر بدکار
ست شاید که توبه کند این چنین بخاری از ابی هریره از آنحضرت روایت کرده اند وترمذی و
احمد وحاکم از ابی بکره روایت کرده که مردی پرسید یا رسول الله بهترین مردم کیست
فرمود کسی که عمرش دراز بود وعملش نیک پرسید بدترین مردم کیست

فرمود هر که عمرش دراز باشد و عملش بد این حدیث صحیح ست و احمد از ابی هریره روایت کرد

که مردی شهید شد و برادرش بعد سالی مرد طلحه رضی الله عنه بهشت را بخواب دید و برادر

دوم را از شهید پیش قدم دید و این خواب بجناب حضرت صلی الله علیه وسلم گفت و

تعجب کرد آنحضرت فرمود که آنکه بعد او مرده است آیا یک رمضان صوم و یکسال نماز ادا کرده

یعنی جای تعجب نیست **مسئله** اگر در دین خوف فتنه باشد آرزوی موت جائز ست در دعای

آنحضرت منقول ست اذا اردت بقوم فتنة فاقبضنی الیک غیر مفتون آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فرمود باید که کسی از شما آرزوی موت نکند مگر وقتیکه اعتماد نباشد او را که عمل نیک کند

فصل بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود موت تحفهٔ

مومن ست و همچنین از آن حضرت جابر و امام حسین و عائشه رضی الله عنهم روایت کردند

الموت غنیمة المومن ریحانة المومن و در حدیث صحیح آمده که دو چیز را آدم مکروه میداند موت را

و موت بهتر ست از معصیت و قلت مال را و از قلت مال حساب کم باشد **فائده** و گاهی

بزرگان از شوق وصال حق آرزوی موت کرده اند رسول صلی الله علیه وآله وسلم وقت وفات

گفته اللهم الرفیق الاعلی و یوسف علیه السلام گفته توفنی مسلما و الحقنی بالصالحین و طبرانی

از ابی مالک اشعری روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم آلهی موت را محبوب

کن بسوی هر که مرا رسول تو داند مولوی روم میگوید **ع** من شوم عریان زتن او از خیال

تا خرامم در نهایات الوصال **فصل** ۲ قرطبی گفته که در حدیث آمده که بعضی انبیا از ملک الموت

گفت که تو پیش از آمدن خود چرا کسی را نمی فرستی که مردم از تو هشیار باشند ملک الموت

گفت که والله پیش از من چند چیز می آیند و آگاه میسازند بیماریها و پیری و تغیر سمع و بصر بسیار

چون یاد نکند مرا و توبه نکرد من آواز میدهم وقت مرگ که آیا من پیش خود رسول بعد رسول و

نذیر بعد نذیر نفرستاده بودم حالا من خود رسول و نذیرم بعد من رسول و نذیر نیست و در حدیث صحیح

از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم است که فرموده که هر کرا حق شصت سال

عمر داد او را عذر باقی نگذاشت **باب** در علامات خاتمهٔ خیر و بد و اسباب آن رسول صلی الله

علیه وآله وسلم فرمود وقتیکه الله اراده نیکی کند از بنده از و عمل نیک کناند پیش از مرگ و راه

الترمذی و حاکم عن انس و احمد از عمرو بن الجموح همچنین آورده و زیاده کرده تا آنکه همسایه او
ازو راضی شوند و از عائشه رض از آنحضرت صلعم احمد روایت کرد وقتیکه حق تعالی اراده نیکی کند بکسی پیش
از مرگ او فرشته بفرستد که محکم کند کار او را و توفیق دهد او را تا آنکه بمیرد در نیکوترین اوقات او پس
چون حاضر شود موت و ببیند آنچه مهیا کرده است برای او خدا قصد بر آمدن کند جان او از حرص
پس آنگاه دوست دارد ملاقات خدا را و دوست دارد خدا ملاقات او را و چون خواهد الله با بنده
بدی مسلط کند پیش از مرگ او بکسی شیطانی را که گمراه کند او را تا آنکه بمیرد در بدترین اوقات او پس
چون موت حاضر شود و ببیند آنچه مهیا کرده است حق تعالی برای او از عذاب قصد فرو رفتن کند
جان او برای مکروه داشتن خروج پس آنگاه مکروه دارد بنده ملاقات خدا را و خدا ملاقات او را و بعضی
علما گفته که اسباب سوء خاتمه نعوذ بالله منها چهار چیز اند سستی در نماز و خوردن خمر و نافرمانی والدین و ایذا دادن
مسلمانان و آنحضرت فرمودند صلی الله علیه و آله و سلم که مسلمان می میرد از عرق پیشانی رواه الترمذی
و حاکم و صححه عن بریده و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم وقت مرگ اگر از پیشانی عرق و آب از
چشمان ریزد و پره بینی فراخ شوند پس رحمت خدا بر وی نزول کرده است و اگر از گلو آواز مثل آواز
شتر مخنوق بر آید و رنگ او تباه شود و هر دو شقیقه او غبار شود پس عذاب خدا است که در آمده در و
رواه الترمذی عن سلمان الفارسی و در حدیث آمده موت مؤمن بعرق پیشانی میشود هیچ مسلمانی
نیست مگر از وی گناهی سر زده است عوض آن رنج و شدت در دنیا شده آنچه باقی مانده سختی موت مکافات
آن میشود رواه البیهقی عن ابن مسعود **فایده** سختی موت مؤمن و کافر هر دو را می شود برای مؤمن رحمت است
که کفاره گناه و رفع درجات او میشود و کافر را اول شدت ست که بوی میرسد و گاهی بر کافر بسبب
بعضی اعمال صالحه وقت مرگ که آخر ایام دنیاست آسانی میشود و این چنین در حدیث ابن مسعود
از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم طبرانی روایت کرده و از وهب بن الورد دینوری روایت کرده که
حق تعالی میفرماید از دنیا بیرون نمی آرم کسی را مگر آنکه اگر در حق او رحمت میخواهم هر گناهی میکند عوض او را بیماری
مصیبت در اهل و بیت و تنگی معاش و تنگی رزق میرسانم و اگر چیزی از گناهان او باقی میماند وقت مرگ بر وی سختی میکنم تا که بمیرد
پاک از گناهان چنانچه بود روز ولادت و اگر در حق او عذاب میخواهم هر حسنه که کرده است عوض آن او را صحت بدن
و فراخی رزق و راحت زندگانی و امن میدهم و اگر چیزی باقی ماند از حسنات او مرگ بر وی آسان میکنم تا که بمیرد

و هیچ حسنه او را نباشد که از آتش پناه او بود و ابن ماجه از عائشه رض روایت کرده که آن حضرت فرمود که مسلمان از ثواب میرسد در هر چیز تا آنکه در سختی وقت مرگ هم و در حدیث صحیح ابن ابی الدنیا از حسن بصری از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود سختی موت بقدر سیصد ضرب شمشیر باشد و هم او از علی رض روایت کرده که هزار ضرب شمشیر آسان است از موت و خطیب از انس از آنحضرت صلعم همچنین روایت کرده و شهید الم موت نباشد مگر مانند خاریدن ناخن و همچنین خطیب از قتاده از آنحضرت روایت کرده **باب** آنچه انسان در مرض موت بگوید و آنچه نزد وی خوانده شود و تلقین میت و بعد موت آنچه گفته شود حاکم از سعد بن ابی وقاص از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود هر که در مرض خود لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین چهل بار خواند اگر دران مرض بمیرد ثواب شهید یابد و اگر تندرست شود گناهان او بخشیده شود و مروزی از بکر بن عبد الله المزنی روایت کرده که گفت هر کرا ملک الموت آید و او با وضو باشد او را ثواب شهادت داده شود و احمد حاکم از آنحضرت روایت کرده که هر که آخر کلام او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و مسلم از آن حضرت روایت کرده که تلقین کنید یعنی یاد دهید کسی را که موت او حاضر شود لا اله الا الله بیهقی در شعب الایمان از ابی اوفی روایت کرده که در حضور آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم غلامی را لا اله الا الله تلقین کردند او نتوانست گفت بسبب عقوق والدین هر گاه مادرش راضی شد لا اله الا الله گفت آنزمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گفت الحمد لله الذی انقذه بی من النار یعنی الحمد لله که او را حق تعالی بسبب من از آتش خلاصی داد و ابن عساکر از عبد الله المحاربی روایت کرده که مردی را گفته شد که لا اله الا الله بگو او گفت که نمیتوانم گفت بودم صحبت داشتم با قومی که مرا امر میکردند به بد گفتن ابی بکر و عمر رضی الله عنهما **فصل** ابن ابی الدنیا و دیلمی از ابی الدردا از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که بر سر میت اگر یس خوانده شود خدا بروی مرگ آسان کند و ابن ابی شیبه و مروزی از شعبی روایت کرده که انصار نزد میت سورهٔ بقره میخواندند و مروزی از جابر بن زید روایت کرده که دوست میداشت وقت حاضر شدن میت خواندن سورهٔ رعد را ازین مرگ آسان میشود و میگفتند که مردم یک ساعت پیش از مردن کسی در حضور آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

این دعا میخوانند اللهم اغفر لفلان بن فلانة وبرّد علیه مضجعه ووسّع علیه فی قبره واعطه الراحة بعد الموت
والحقه بنبیّه وتولّ نفسه وصعّد روحه فی ارواح الصالحین واجمع بیننا وبینه فی دار یبقی فیها الصحة
واذهب عنا النصب واللغوب وصلّی علی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم واین دعا مکرر خوانند تا که
قبض روح او شود وابن ابی شیبه از ام سلمه روایت کرده که گفته شود نزد محتضر کلام سلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین وطبرانی از آنحضرت روایت کرده که ملائکه نزد میت حاضر میشوند و آمین
میگویند بر آنچه اهل خانه میت میگویند پس آنحضرت گفت اللهم ارفع درجته فی المهدیین واخلفه
فی عقبه فی الغابرین واغفر لنا وله یوم الدین باب در احوال ملک الموت واعوان او وابن ابی
الدنیا از ابن مسعود وابن عباس روایت کرده که چون حقتعالی ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کرد ملک
الموت از جناب الهی اذن خواست که ابراهیم را ازین معنی بشارت دهد اذن شد و ملک الموت
پیش ابراهیم آمد و بشارت داد ابراهیم حمد خدا گفت پس گفت ای ملک الموت ارواح کفّار را چگونه
قبض میکنی گفت ای ابراهیم طاقت دیدن نیاوری گفت آری ملک الموت گفت روی از من
بگردان روی گردانید پس دید ملک الموت را بصورت مردی سیاه سر باسمان کشیده می آید از
دهن او شعله آتش و در تمام بدن هر موی که هست بصورت مردیست که از دهن و از هر مسام او
شعله آتش می برآید ابراهیم او را دید غشی کرد پس بافاقت آمد و ملک الموت را بصورت اصلی
دید و گفت ای ملک الموت اگر کافر را هیچ رنج و بلا نباشد همین دیدن صورت تو بس ست پس گفت
شما را چگونه قبض میکنی روح مومنان را گفت روی بگردان از من روی بگردانید پس دید مردی
جوان خوبترین مردم در حسن و جمال و خوشبوی در پارچه های سفید پاکیزه پس گفت ای ملک الموت
اگر مسلمانان را در مردن دیگر راحت و کرامت نباشد هر آینه دیدن صورت تو بس ست و همچنین ابن
ابی الدنیا از کعب روایت کرده و ابن ابی حاتم از زهیر بن محمد روایت کرده که از رسول صلی الله علیه
وآله وسلم گفتند که یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ملک الموت یکی ست و در صفهای جنگ از
مشرق و مغرب و در میانه مردم می میرند فرمود که حق تعالی جمع کرده است تمام دنیا را برای
ملک الموت چنانچه طشت نزدیکی از شما باشد واحمد از معمر روایت کرده که ملک الموت اجل انسان
را نمیداند تا که حکم شود به قبض روح او وابن ابی الدنیا از ابن جریج روایت کرده که ملک الموت را

حکم میشود که فلان کس را در فلان وقت قبض کن و ابونعیم و غیره از مجاهد روایت کرده‌اند که تمام
زمین نزد ملک الموت مانند طشت است میگیرد از هر جا که خواهد و برای او مددگاران یعنی پیشکاران
اند قبض روح میکنند پس از انها ملک الموت میگیرد و جویبر در تفسیر خود از ابن عباس روایت کرده
که همراه ملک الموت ملائکه رحمت و ملائکه عذاب اند جان پاک را قبض کرده بملائکه رحمت میدهد
و جان خبیث را بملائکه عذاب می سپارد و ابن ابی حاتم و ابن ابی شیبه از ابن عباس روایت کرده
که ملک الموت را اعوان اند و همچنین ابو الشیخ از نخعی روایت کرده و گفته که از اعوان ملک الموت
میگیرد و از ابن وهب مرویست که ملائکه که همراه آدمیان هستند همان اجل او را مینویسند و همان
قبض روح میکنند و ملک الموت را می سپارند ملک الموت رئیس آنهاست و طبرانی و ابن منده
از حارث بن الخزرج روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم ملک الموت را نزد سر مردی
از انصار دید و فرمود ای ملک الموت رفق و مهربانی کن با یار من که مسلمان است ملک الموت
گفت خوش باش یا محمد من با هر مسلمان رفیق و مهربانم و بدان یا محمد که من روح ابن آدم را
قبض میکنم پس وقتیکه آواز گریه می برآرند اهل او در خانه او استاده میشوم و با من روح او می باشد
و میگویم ای گریه کنندگان قسم بخدا ما ظلم بوی نکرده ایم و اجل وی را سابق نکرده ایم و جلدی
ننموده ایم و ما را در قبض روح گناهی نیست اگر بحکم خدا راضی باشید ثواب یابید و اگر ناخوش شوید
گنهگار شوید و بدرستی که ما را نزد شما باز آمدن است و باز آمدن پس هشیار باشید و هیچ خانه نیست
از نکوکاران و بدکاران مگر آنکه متوجه میباشم بدان شبانه روز تا که من می شناسم هر صغیر و کبیر را
زیاده تر از نفس شان و قسم بخدا اگر خواهم که قبض روح یک پشه کنم نمیتوانم تا که حق تعالی اذن
دهد و امام جعفر صادق علیه السلام گفته که در اوقات نماز ملک الموت بر مردم متوجه میشود پس چون وقت
مرگ بیند کسی را که بر نمازهای پنجگانه محافظت داشت نزدیک او میشود و شیاطین را از او دفع میکند
و کلمهٔ لا اله الا الله محمد رسول الله بوی تلقین میکند و ابن ماجه از ابی امامه روایت کرده که
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حق تعالی قبض ارواح بملک الموت سپرده مگر ارواح
شهدای بحر خود قبض می فرماید یعنی کسانیکه برای حج بر جهاز سوار می شوند **فصل** رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در شب نصف از شعبان نوشته میشود کسانی که در آن سال

بمیرند شخص نکاح میکند و تولد میکند و نام او در اموات ست و وحی میشود بسوی ملک الموت
برای قبض روح کسانیکه دران سال حکم مردن شان باشد همچنین در حدیث مرفوع و موقوف
آمده و حاکم در مستدرک از عقبه بن عامر آورده که اول کسی که موت آدمی را میداند حافظ او که
عمل او را می برد بآسمان و رزق او می آرد وقتیکه رزق خارج نشد دانست که خواهد مرد باب
در بیان کیفیت موت مومن و کافر و بیان ملائکه وغیره که وقت مرگ حاضر میشوند و آنچه او را میت
می بیند و می شنود احمد و ابوداود وغیرهما بطرق صحیحه از براء بن عازب روایت کردند که آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم بر جنازه مردی از انصار دو سه بار استعیذوا بالله من عذاب القبر گفت و
فرمود که بنده مومن را وقت مرگ ملائکه از آسمان فرود می آیند خوش رو گویا روهای شان
مثل آفتاب ست با آنها کفنها و خوشبوها از جنت باشد و گرد وی بنشینند تا مد نگاه پس تر
ملک الموت آمده نزد سر آن کس بنشیند پس بگوید ای نفس مطمئنه یعنی آرمیده بذکر خدا برآ
بسوی مغفرت و رضوان او پس برآید جان او چنانچه قطره از مشک میچکد یعنی باسانی پس ملک
الموت آنرا میگیرد و از ملک الموت در طرفة العین ملائکه که گرد نشسته بودند میگیرند و دران کفن
و خوشبوی داخل میسازند و ازان نفس خوشترین بوی مشک بر می آید پس آن نفس را بسوی
آسمان میبرند پس بر هر گروه ملائکه که میگذرند میگویند که چه خوش روح پاک ست و نام او بکمال
تعظیم میگیرند که فلان بن فلان ست تا که میرسد بآسمان و درهای آسمان را میکشایند و کشاده
میشوند و مشایعت او میکنند ملائکه مقربان از هر آسمان تا آسمان دیگر تا که برسد بآسمان هفتم
پس حقتعالی بفرماید بنویسید نامه بنده من در علیین و باز برید او را بسوی زمین پس بدرستی
که پیدا کرده ام آنها را از زمین و دران بازگردانم و ازانجا باز بیرون آرم بار دیگر پس گردانیده میشود
روح او در بدن او پس بیایند دو فرشته پس او را بنشانند پس بگویند مَن رَبُّکَ یعنی کیست
پروردگار تو گوید پروردگار من الله ست پس بگویند چیست دین تو گوید دین من اسلام ست
پس بگویند چیست این مرد که در میان شما مبعوث شده پس بگوید او رسول الله ست صلی
الله علیه و آله وسلم پس بگویند از چه دانستی پس بگوید خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم و
تصدیق کردم پس آواز دهد آواز دهنده از آسمان که بنده من راست گفته پس فرش کنید

برای او از جنت و بپوشانید او را از جنت و بکشایید برای او دری بسوی جنت پس آمده باشد
او را بوی خوش و خوشبوی از جنت و فراخ کرده شود قبر او تا مد نگاه پس آید نزد او مردی خوشتر
و پاکیزه لباس خوشبو پس بگوید شاد باش بخبری که آسان کرد خدا ترا این روز نیست که وعده
کرده شده بودی پس بگوید تو کیستی روی تو خوشی و خوبی می آرد پس بگوید که من عمل نیک
توام پس بگوید ای پروردگار قیامت قائم کن تا رجوع کنیم بسوی اهل و مال خود فرمود رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم و بدرستی که بنده کافر را وقت مرگ ملائکه سیاه رو آیند با آنها مسوح باشد
یعنی پوشاک آهنی از دوزخ پس بنشینند ملائکه نزد او تا مد نگاه پس آید ملک الموت و نشیند نزد سر
او پس بگوید برآی ای نفس خبیث بسوی غضب خدا پس متفرق شود روح او در بدن او پس کشد آنرا
چنانچه کشیده میشود سیخ از پشم تر پس بگیرد ملک الموت او را پس نگذارند او را ملائکه عذاب در
دست او طرفة العین تا که میکنند او را در آن مسوح و بر می آید از وی بو مانند بدترین بوی مردار پس
می برند او را بسوی آسمان پس نمیگذرد بر جماعتی از ملائکه مگر آنکه میگویند که چه روح خبیث است
پس میگویند فلان بن فلان است به بدترین نامهای او که در دنیا بود تا که بسوی آسمان میبرند
پس کشاده نشود برای او در وازه آسمان و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این آیت خواند لا تفتح
لهم ابواب السماء پس او را انداخته شود از آنجا اندختنی و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم این آیت خواند
فکانما خر من السماء فتخطفه الطیر او تهوی به الریح فی مکان سحیق پس بازگردانیده شود روح
او در بدن او و بیایند او را دو فرشته پس بنشانند او را و بگویند از وی هر سه سوال گذشته و او هر بار
بگوید هاه هاه نمیدانم پس آواز کند آواز کننده از آسمان که دروغ گفته این بنده من پس فرش کنید
برای او از آتش و بپوشانید او را از آتش و بکشایید برای او دری بسوی دوزخ پس آمده
باشد او را گرمی و باد زهر آلوده دوزخ و تنگ شود بروی قبر تا که با یکدیگر شوند استخوان سینه او
و بیاید او را مردی بدرو بد پارچه بدبو پس بگوید بشارت باد ترا بخبری ناخوش کند ترا این روز است
که وعده کرده شده بودی تو پس بگوید تو کیستی که روی تو بدی و ناخوشی می آرد پس گوید که من اعمال
بد توام پس بگوید ای پروردگار قیامت قائم مکن و ابو یعلی و ابن ابی الدنیا از تمیم داری از آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی ملک الموت را بفرماید که برو

یعنی کشاده نشود برای ایشان درهای آسمان ۱۲
یعنی گویا افتاده از آسمان پس میربود او را پرنده یا می‌انداخت او را باد و تند در مکان بعید ۱۲

بسوی دوست من او را بیار بر من پس بدرستی که من او را امتحان کردم بخوشی و ناخوشی پس
یافتم او را دوست تر پس بیار او را تا رها کنم او را از رنجها و غمهای دنیا پس آید ملک الموت با پانصد
فرشته با آنها کفنها و خوشبو از بهشت باشد و با آنها باشد دستها از ریحان بیخ ریحانه یکی باشد و سر
سرش بهشت رنگ باشد هر رنگ را بوی علحده و با آنها حریر سفید باشد و در آن مشک اذفر و بنشیند
ملک الموت نزد سر او و گرداگرد او شوند ملائکه هر فرشته دست خود بر عضوی از اعضای او نهد و
بگسترانند آن حریر و مشک زیر ذقن او و کشاده شود برای او دری بسوی بهشت و رغبت داده
شود او را تحفه های بهشت گاهی با زواج و گاهی به پوشاک و گاهی بمیوها چنانچه طفلان را چون گریند
بچیزهای خوش مشغول میسازند و ازواج او یعنی در بهشت اشتیاق کنند او را و خندگی و جلدی کنند
روح او و ملک الموت بگوید برآی روح پاک بسوی سدر مخضود یعنی کنار بیخار و طلح منضود یعنی درخت
بافته از برگ که شاخ از کثرت برگ دیده نشود و ظل ممدود یعنی سایه دراز و ماء مسکوب یعنی آبهای
روان فرموده آنحضرت که ملک الموت باین میت لطفها کند چنانچه والده با ولد کند از بهر آنکه میداند که این
روح محبوب است نزد خدا و کریم است نزد وی از لطف کردن با آن روح ملک الموت رضای خدا از خود
میخواهد پس بکشد روح او را چنانچه موی از خمیر کشیده شود و چون روح برآید ملائکه گرد او گویند سلام
علیکم طبتم فادخلوا الجنة بما کنتم تعملون یعنی پاکی است شما را و داخل بهشت شوید با عمال خود پس چون
ملک الموت روح را قبض کند روح مر جسد را گوید حق تعالی ترا جزای خیر دهد بودی تو مرا جلد بسوی
فرمانبرداری خدا و دور از معصیت او پس گوارا باد ترا که نجات یافتی و نجات دادی مرا و جسد روح را
همچنین گوید و بقعهای زمین که آنجا عبادت میکرد بروی گریه کنند و درهای آسمان که از آن
عمل او بالا میرفت و رزق او از آنجا فرود می آید تا چهل روز بروی گریه کنند و بعد قبض روح
آن پانصد فرشته نزد جسد او باشند هر گاه بنی آدم آن مرده را از پهلو به پهلو کنند آن فرشتگان او را
پیشتر از آن از پهلو به پهلو گردانند و کفن او را حنوط رسانند پیشتر از آن که آدمیان رسانند و
استاده شوند از دروازهٔ او تا قبر دو صف از ملائکه استقبال کنند برای او و باستغفار آن زمان
ابلیس آوازه کند بعضی که لشکر فدا ازان آواز بعضی استخوان جسد او و بگوید لشکر خود را هلاکی هست
شما را چگونه خلاص شد این بنده از شما پس بگویند که این مرد معصوم بود یعنی خدا او را نگاه داشته

پس وقتیکه روح اورا بسوی آسمان برند استقبال کنند اورا جبرئیل علیه السلام در هفتاد هزار ملائکه
هر یک ازان اورا بشارت دهند از پروردگار او پس چون ملک الموت اورا بعرش رساند آن
روح بسجده رود برای پروردگار او پس بفرماید حق تعالی ملک الموت را که ببر بنده مرا پس بنه
اورا فی سدر مخضود و طلح منضود و ظل ممدود و ماء مسکوب پس وقتیکه نهاده شود آن مرده
در قبر پس آید نماز باشد بر یمین او و روزه بر یسار او و قرآن و ذکر نزد سر او و رفتار او برای نماز
نزد هر دو پای او و صبر نزد گوشه قبر او و بفرستد الله تعالی گروهی از عذاب یعنی بسبب بعضی
معاصی که ازو صادر شده باشد پس آید اورا از جانب یمین پس اورا نماز گوید دفع کرده است
ترا این بنده قسم بخدا که این بنده رنج کشیده است تمام عمر راحت نیافته است مگر حالا که در قبر نهاده
شده لیکن جانب چپ آید روزه همچنین گوید پس از جانب سر آید همچنین گفته شود پس از
هیچ جانب عذاب بسوی او راه نیابد و صبر دیگر اعمال را بگوید که من بذات خود مانع نشدم
از آنجا که شما کفایت کردید اگر شما عاجز شدید من یاری او میکردم حالا من ذخیره او هستم نزد صراط
و میزان و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و بفرستد حق تعالی دو فرشته که بصر آنها مانند
برق رباینده باشد و آوازه شان مثل رعد و دندانهای شان مثل شاخ گاو و دم آنها مانند شعله
آتش در میان هر دو شانه او چندین بعد و مسافت باشد از دل آنها حق تعالی رحمت دور کرده
مگر بر مسلمانان نام یکی منکر و نام دیگری نکیر در دست هر یک ازانها گرزی باشد از آهن که اگر جن
و انس جمع شوند آنرا حرکت نتوانند داد پس بگوید اورا بنشین پس بنشیند در قبر خود و فرو افتد
کفن او پس بگویند کیست پروردگار تو و چیست دین تو و کیست نبی تو گوید پروردگار من الله
است وحده لا شریک له و دین من اسلام است و نبی من محمد است علیه الصلوٰة والسلام
خاتم النبیین پس بگویند راست گفتی پس قبر اورا از هر سو فراخ کنند و بگویند که ببین
بالای خود پس بیند بهشت را و گویند این خانه تست ای ولی خدا بسبب فرمان برداری حق تعالی
فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پس قسم بکسی که جان من در دست اوست که در دل آنمرده
بقسمی فرحت رسد که گاهی دور نشود پس بگویند که ببین زیر خود پس دوزخ را ببیند و بگویند ای
ولی خدا نجات یافتی ازین فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که قسم بکسی که جان من در دست اوست

اورا نسیمی فرحت بدل رسد که گاهی دور نشود و گشاده شود برای او هفتاد و هفت در بسوی
جنت که آمده باشد او را از آنجا خوشبو و راحت تا که برخیزاند او را حق تعالی از قبر او و بگوید حق تعالی
ملک الموت را که برو بسوی دشمن من پس بیار او را پس بدرستی که من فراخ کردم رزق او و در آ
او به نعمت خود پس نکرد مگر نافرمانی من پس بیار او را تا انتقام گیرم از وی پس رود ملک الموت
در بدترین صورت که ندیده باشد کسی از مردم گاهی باشد او را دوازده چشم و با او سیخی باشد
از آتش بسیار خاردار و با او پانصد فرشته باشند با ایشان دو آتش باشد و بر پا کالها از آتش
دوزخ و با آنها تازیانه ها باشد از آتش افروخته پس بزنند او را ملک الموت بدان سیخ یک سیخی غائب
شود هر خار از آن سیخ خاردار در هر سو و در هر رگ او گفت پس بکشد آنرا بسختی پس بکشد روح
او را از ناخن های پای او پس بیندازد آنرا در پاشنه های وی پس بیهوش شود دشمن خدا و بزنند
فرشتگان روی و پشت او را بآن تازیانه ها پس همچنین بکشند روح تا بند از او پس تا سینه او
همچنین تا حلق و بگسترانند ملائکه آن دخان سوزان و آتش دوزخ زیر زنخدان او و بگوید ملک الموت
برآی ای نفس خبیث لعین ملعون بسوی سموم یعنی باد زهرآلوده و حمیم یعنی آب کمال سوزان
و ظل من یحموم لا بارد و لا کریم و سایه از دخان نهایت سیاه نه سرد و نه مفید و چون قبض کند
ملک الموت روح را روح گوید جسد را و جسد گوید روح را جزا دهد خدا ترا بد بودی تو حامل بسوی
معصیت و درنگ در طاعت پس هلاک شدی تو و هلاک کردی مرا و لعنت کنند او را بقعه ها
تمه که بران گناه میکرد و لشکر ابلیس خوشخبری دهند ابلیس را که وارد کردیم یکی از بنی آدم را در دوزخ پس
چون نهاده شود در قبر تنگ شود بروی تا که بهم یکی شوند استخوان سینه او و بفرستد حق تعالی
مارهای سیاه را پس بگیرد از سر انگشت های پای پس بخورد آنرا تا که برسد در کمر او و بفرستد
حق تعالی بسوی وی منکر و نکیر را و بپرسند از پروردگار و دین و نبی او و گوید او نمیدانم پس گفته
شود او را ندانستی و پیروی نکردی پس بزنند او را بضربی که بپرند شراره های آتش در قبر او
باز درست شود و بگویند ببین بالای تو پس ببیند بهشت را و گویند ای دشمن خدا اگر فرمان بردار
میکردی این از تو میشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم پس قسم بکسی که جان من در
دست اوست که رسد او را حسرتی که دور نشود از وی گاهی و گشاده شود برای او دروازه .

بسوی دوزخ وگفته شود اینست خانهٔ تو بسبب نافرمانی خدا وکشاده شود برای او هفتاد و هفت در بسوی دوزخ تا آید او را گرمی و باد زهرآلود آن تا که برپا دارد او را حق تعالی روز قیامت بسوی دوزخ انچه درین حدیث آمده که ملک الموت نعمتهای بهشت نموده بنده مومن را رغبت میدهد و مثل طفلان او را خوش میسازد و بعضی دوستان خدا آن نعمت ها نیز فرود نمی آرند و دیدار حق میخواهند نقل ست که شیخ سعراوی رحمة الله علیه وقت مرگ چون نعمت های بهشت دید برآشفت وگفت شعر ان کان منزلتی فی الحب عندکم ✝ ما قد رأیت فقد ضیعت ایامی ✝ یعنی اگر هست مرتبهٔ من در محبت نزد شما انچه من دیدم پس بیهوده رستی که من عمر خود را ضائع کردم حق تعالی ندا داد من موجودم پس چه میخواهی گفت شعر اروم وقد طال المدی منک نظرة ✝ وکم من دماء دون مرماک طلت ✝ یعنی میخواهم دیدن که دراز شده است مدت خواهش از تو دیدار و بسیار خونها نزد این آرزو ریخته شده از زبان حق بروی تجلی فرمود و آن بزرگ جان بحق تسلیم نمود همچنین شاه شرف الدین ابوعلی قلندر صاحب پانی پتی رحمة الله گفته شعر گر بیاید ملک الموت که جانم ببرد تا نبینم رخ تو روح میدان ندهم ✝ لیکن از کلام حضرت ایشان ما قیوم ربانی مجدد الف ثانی رضی الله عنه چنان مستفاد میشود که این چنین خواهش و کلمات گفتن و نعماء بهشت را بخاطر نیاوردن از بقایای سکر ست اصحاب صحو انچه نعمتهای بهشت ست وغیره نعمای که دلیل مرضیات حق ست آنرا بر سر و چشم از کمال ادب می نهند و میدانند که دیدار خدا درین نشأه متصور نیست موعود در جنت ست انجا جسد و بصر را حق تعالی قوتی دیگر خواهد داد که طاقت رویت خواهد داشت موسی علیه السلام پیغمبر اولی العزم طاقت رویت نداشت و مخاطب لن ترانی شد و خر موسی صعقا اینجا اگر هست رویت قلبی ست نه رویت بصری و رویت قلبی بعالم مثال تعلق دارد چنانچه حضرت قلندر میفرمایند شعر غیرت از چشم برم روی تو دیدن ندهم ✝ گوش را نیز حدیث تو شنیدن ندهم ✝ یعنی اینجا انچه هست بچشم دل و گوش دل ست نه بچشم و گوش سر والله اعلم انچه دیگران را الیعنی تجلی و رویت قلبی کالبرق ست این حضرات را دائمی ست دیگر باید دانست که در قران و حدیث احوال مومنان کامل و احوال کافران و منافقان مذکور ست و احوال مومنان فاسق متوسطان کمتر مذکور ست بمقایسه دریافت میشود بدو جهت یکی آنکه در وقت رسول الله

صلی الله علیه وآله وسلم صحابه همه مومنان کامل بودند یا کفار یا منافق بودند دوم آنکه احوال متوسطان
بسیار مختلف ست نظر بر کثرت جرائم وقلت آن وقوت ایمان وضعف آن دیگر باید دانست فصل
در حق شهید طبرانی وعبد بن حمید بسند ثقات روایت کرده از عبد الله بن عمر که گفته وقتیکه بنده
در راه حق تعالی قتل کرده شود اول قطره خون او که بر زمین افتد گناهان او بخشیده شود پس پارچه
از بهشت آید ونفس او در آن کرده شود و او را جسدی از بهشت آید در آن کرده شود روح او و با ملائکه بسوی
آسمان رود و با ملائکه باشد گویا که از اول خلقت با فرشتگان بود تا که او در حضور رحمن حاضر سازند پس سجده کند
پیش از ملائکه و ملائکه بعد از ان بسجده روند پس حکم شود که با شهدا کرده شود پس آنها باشند در چمن های
سبز و قبه های حریر نزد ایشان گاو باشد و ماهی باشد ماهی بخورد و از نوع خوشبو از انهار بهشت و چون
شام شود گاو آن ماهی را شکم در بود بشاخ خود و پاک کند آنرا پس بخورند شهیدان گوشت ماهی
و یابند در گوشت او هر بوی خوش از انهار بهشت و شبانگاه گاو چریده باشد در بهشت از میوه ها
پس چون صبح شود ماهی بر وی آید و ذبح کند او را بدم خود پس بخورند شهیدان از گوشت او و یابند
از و لذت هر میوه بهشت و بینند شهیدان خانه های خود در بهشت درخواست کنند از حق تعالی
بقیام قیامت و دیگر قصه قبض روح و احوال قبر مومن و کافر مثل حدیث گذشته درین حدیث
هم آمده و از کعب احبار در تفسیر قوله تعالی ان کتاب الابرار لفی علیین ابن مبارک روایت کرده
که روح مومن چون بعرش میرسد بر آورده میشود برای او از زیر عرش رقعه پس مهر کرده شود و
نوشته شود و نهاده شود زیر عرش برای نجات او روز حساب قیامت علیین عبارت از زیر
عرش ست و در قوله تعالی ان کتاب الفجار لفی سجین گفته که روح کافر چون بسوی آسمان برده
شود آسمان آن را قبول نکند انداخته شود بسوی زمین زمین او را هم قبول نکند پس انداخته شود
زیر هفت زمین رسانیده شود تا سجین پس آورده شود برای او از انجا رقعه پس مهر کرده شود و
بر ان نهاده شود زیر حد ابلیس که حد جای ابلیس ست برای حساب صاحب قاموس گفته
سجین وادی ست در جهنم یا سنگی ست زیر زمین هفتم و ابن ابی شیبه از ابی هریره روایت
کرده که قبض روح مسلمان کرده نمیشود تا که می بیند بشری یعنی خوشخبری و بعد موت آن مرده آواز
کند بشنود کسی در خانه از صغیر و کبیر جاندار هر که باشد آواز او شنود مگر جن و انس بگوید جلد رسانید مرا

یا ارحم الراحمین پس چون بر جنازه نهاده شود بگوید چه قدر دیر میروید پس چون بلحد داخل کرده شود
نشانیده شود و جای خود در بهشت ببیند بگوید ای پروردگار داخل کن مرا در آن حکم شود هنوز وقت
آن نرسیده است بدرستی ترا دیگر برادران و خواهران اند هنوز نیامده اند لیکن خواب کن خوش و
خرم گفت ابوهریره پس قسم بخدا که نخوابد آنکس خوابی کوتاه تر و شیرین تر که بخسپد آن قسم خفته باشد
تا که بردارد سر خود را بسوی بهشت روز قیامت حضرت قلندر میگوید شعر گر بشبی دست دهم
وصل تو از غایت شوق ٭ تا قیامت نشود صبح دمیدن ندهم ٭ و ابن مردویه و ابن منده از
ابن عباس روایت کرده در حدیث طویل در حال مومن که درهای آسمان برای او کشاده شود و رحمت
نفرستد هر فرشته در هر آسمان تا که رسد بملک جبار و بگوید جبار تعالی مرحبا بروح پاک و جسدی که از وی
برآمده و بفرماید که او را در بهشت داخل کرده خانه او بنمایند پس او را بسوی زمین برند پس فرود آرند
او را در مقدار زمانی که مردم از غسل و کفن او فارغ شوند و داخل کنند آن روح را در جسد و کفن او ٭
و طبرانی از میمونه بنت سعد روایت کرده که گفته شد یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جنب خواب
کند فرمود دوست نمیدارم که خواب کند تا که وضو نکند می ترسم که بمیرد و جبرئیل بروی حاضر نشود و ابن
ابی شیبه و ابن ابی الدنیا و غیره از زید بن ابی الخیره صحابی روایت کرده که نمی میرد کسی مگر آنکه نموده شود
او را صورت مثالی همنشینان او اگر از اهل لهو است صورت اهل لهو و اگر اهل ذکر است صورت اهل
ذکر و ابن ماجه از ابی موسی روایت کرده که پرسیدم از آنحضرت که شناسائی بنده از مردم کی منقطع
میشود فرمود وقتیکه می بیند یعنی ملک الموت و ملائکه را و در صحیحین از عباده بن الصامت رضی الله عنه
مرویست که نبی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که ملاقات خدا دوست دارد خدا ملاقات او را
دوست دارد و هر که ملاقات خدا مکروه دارد خدا ملاقات او مکروه دارد عائشه رض گفت که ما مردن
را مکروه میداریم فرمود مراد من این نیست لیکن مسلمان را وقت حضور موت خوش خبری داده شود
برضامندی خدا و گرامی داشتن او پس نباشد او را چیزی محبوب تر از آنچه پیش آید او را یعنی موت و
خدا دوست دارد ملاقات او را و چون کافر را مردن پیش آید خبر داده شود بعذاب
خدا پس هیچ چیز او را مکروه تر نباشد از ملاقات خدا پس مکروه دارد حق تعالی ملاقات او را و ابن جریر
و ابن المنذر از ابن جریج روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ای عائشه رض وقتیکه

ببینید مسلمان ملائکه را گویند او را ملائکه ترا باز گردانیم بسوی دنیا گوید که مرا بجائی غم و حزن نفرستید
مرا بسوی خدا برید و کافر گوید ای پروردگار مرا باز بسوی دنیا بفرست تا شاید عمل صالح کنم در
آنچه ترک کردم و ابونعیم از سلمان فارسی از آنحضرت روایت کرده که اول مسلمان را در قبر او خوش
خبر داده شود برضامندی خدا و بهشت و گفته شود خوش آمدی حق تعالی بخشیده کسانی را که
همراه جنازه تو تا قبر تو متابعت کرده و ابونعیم از مجاهد روایت کرده که مسلمان را خوش خبر
داده شود به صالح بودن فرزندان بعد او برای سردی چشم او و احمد و ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر
از آنحضرت روایت کرده که فرمود حق تعالی قبول میکند توبه بنده تا که جان او قریب مرگ رسد
فصل روح میت مومن با دیگر ارواح مومنان ملاقات میکند چنانچه طبرانی در اوسط
از ابوایوب انصاری رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
که روح مسلمان وقتیکه قبض کرده شود ملاقات میکنند با وی اهل رحمت از بندگان خدا
چنانچه در دنیا از کسی که می آید ملاقات میکنند و باهم بگویند که فرصت دهید یا خود را تا که آرام
گیرد بدرستی که او در کمال رنج و شدت بود پس از او پرسند که چه میکند فلان و فلان پس وقتیکه
بگوید که او پیش از من مرده است پس آنها افسوس کنند و انا لله وانا الیه راجعون گویند و
گویند او را برده شد بسوی هاویه یعنی دوزخ و فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که اعمال شما گفته
میشود با قربا و قبیله شما را که پیشتر مرده اند یعنی آنکه اهل خیر اند پس اگر عمل نیک می باشند
خوش میشوند و میگویند که الهی این فضل تست پس تمام کن نعمت خود را بروی و موت ده
او را برین چنین اعمال و اگر عمل بد می باشند میگویند که الهی او را توفیق عمل نیک ده تا تو از
وی راضی شوی بدان و قریب کند او را بسوی تو و در ملاقات کردن مردگان که پیشتر مرده
اند و خوش شدن آنها بملاقات مرده حال و استقبال کردن پسر که پیشتر مرده باشد پدر را
چنانچه غائب را استقبال میکنند در احادیث دیگر هم آمده **فصل** احمد و طبرانی از ابی سعید
خدری روایت کرده که نبی صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که میت می شناسد کسی را که او را
غسل میدهد و می بردارد و کفن میدهد و در قبر فرود می آرد او را و ابن ابی الدنیا از بکر بن عبدالله
مزنی آورده که مرا رسیده یعنی از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم که آنچه نزد میت میشود میت

آنرا میداند اگر قدرت بر کلام میداشت منع می کرد از نوحه و مانند آن و ابو الشیخ از آنحضرت صلعم
روایت کرده که زنی در مسجد جاروب می کرد مرد و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را علم نشد
پس گذشت آن حضرت صلعم بر قبر وی و بر قبرش نماز جنازه خواند پس صاحبهٔ قبر را خطاب کرد و
فرمود که کدام عمل بهتر یافتی مردم گفتند یا رسول الله این می شنود فرمود نیستید شما شنواتر ازوی
پس فرمود که این زن جواب داده که جاروب کشی مسجد بهتر یافتم و در صحیحین است از ابی سعید
خدری که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که چون جنازهٔ میت را می برند اگر صالح
میباشد میگوید پیش برید مرا و اگر غیر صالح میباشد میگوید کجا می برید مرا سوای آدمیان هر چیز
آواز او می شنود و ابن ابی الدنیا از عمر بن خطاب رض از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت
میکند که میت بر جنازه میگوید ای برادران بر دارندهٔ نعش فریب ندهد شما را حیات دنیا و بازی
نکند با شما زمانه چنانچه با من کرده آنچه گذاشتم برای وارثان است و جزا دهنده روز قیامت
با من خصومت و محاسبه خواهد کرد و شما همراه من می آیید و گذاشته خواهید رفت **فصل**
ابن عساکر از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که داود علیه السلام گفته
الهی چیست جزای آنکه پیروی جنازه کند تا گور برای طلب رضای تو فرمود حق تعالی جزای
او آنست که فرشتگان من مشایعت او خواهند کرد روز موت او و رحمت خواهم کرد بر روح او
در ارواح **فصل** ابن ابی حاتم از علی ابن ابی طالب روایت کرده که چون مسلمان می میرد
نمازگاه او از زمین و جای بالا رفتن عمل او از آسمان بروی میگریند و از ابن عباس مروی است
که زمین تا چهل روز بروی می گرید و شواهد این از سلف بسیار مرویست **فصل** طبرانی
از ابن عمر روایت کرده که حبشی در مدینه مرد و دفن کرده شد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود دفن کرده شد در طیبه که از انجا پیدا شده بود و این چنین از ابی سعید و ابی الدردا رض
مروی است و ابونعیم از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که نیست
هیچ مولود مگر آنکه ریخته شده است بروی از خاک قبر او یعنی بر نطفه و حکیم ترمذی در نوادر الاصول
از ابن مسعود روایت کرده که فرشته موکل است بر رحم میگیرد نطفه از رحم و می نهد بر کف خود
و میگوید ای پروردگار مخلقه باشد یعنی آدم ازو پیدا شود یا غیر مخلقه اگر مخلقه باشد گوید ای

پروردگار چیست رزق او چیست جای اقدام او چیست اجل او چیست عمل او حکم شود به بین
در لوح محفوظ از انجا دریافت کند و بگیرد خاک از زمینی که دران دفن کرده شود و خمیر کند بدان
آن نطفه را این ست قوله تعالی منها خلقناکم الآیه

فصل در منفعت دفن در همسایه صلحا

ابونعیم از ابی هریره از ان حضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرمود دفن کنید مردهٔ
خود را در میان قوم صالحان بدرستی میت اند ایشند از همسایهٔ بد چنانچه زنده اند ایشند و
ابن عساکر از علی ابن مسعود هم چنین روایت کرده و ابن عساکر از ابن عباس از ان حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که وقتیکه بمیرد یکی از شما نیک کنید کفن او و جلدی
کنید در انجاز وصیت او و عمیق کنید قبر او و دوری خواهید از همسایهٔ بد گفته شد یا رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم همسایهٔ صالح نفع می کند فرمود آری و دیلمی از ام سلمه هم چنین روایت
کرده ابن ابی الدنیا از عبد الله بن نافع مزنی روایت کرده مردی در مدینه مرد و دفن کرده شد
آنجا پس کسی او را دید که از اهل دوزخ ست و غم خورد بروی بعد هفت هشت روز دید که او از
اهل بهشت ست از و پرسید گفت که دفن کرده شد با من مردی صالح پس شفاعت کرد
در چهل کس از همسایهٔ خود و من هم دران بودم ابن منده از ابن عمر روایت کرده از نبی صلی الله علیه
وآله وسلم که چون مسلمان می میرد هر بقعهٔ زمین تجمل میکند و آرزوی میکند که در ینجا دفن شود و
چون کافر می میرد مقابر ظلمانی می شود و هر بقعه پناه می جوید از خدا که در انجا دفن شود

باب درانچه بر مرده خوانده شود از ادعیه و تلقین میت

طبرانی و بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که جلد بسوی
قبر او رسانید و وقت دفن در قبر او نزد سر او فاتحه و نزد پای او خاتمه سوره بقره خوانید
و در روایتی آمده که نزد سر او آیات اول و آخر سوره بقره خوانند و در روایتی آمده که بگوید اللهم
اجره من الشیطان و من عذاب القبر و بزار از علی روایت کرده که بگوید بسم الله و فی
سبیل الله و علی ملة رسول الله اللهم عبدک نزل بک و انت خیر منزول به خلف الدنیا خلف
ظهره فاجعل ما قدم علیه خیرا مما خلف فانک قلت و ما عند الله خیر للابرار و ابن ابی شیبه

از انس روایت کرده اللهم جاف الارض عن جنبیه و افتح ابواب السماء لروحه و ابدله دارا خیرا

من داره و از مجاهد آورده اللهم افسح له فی قبره و نور له فیه و الحقه بنبیه صلی الله علیه و آله و سلم حاصل
ادعیه آنکه الهی این را از شیطان و عذاب قبر پناه ده و قبر او را فراخ کن و منور کن و درهای آسمان
برای روح او بگشا و خانهٔ آخرت او بهتر از خانهٔ دنیا کن و او را به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم لاحق کن
این چنین دعا در حق میت کنند و از جناب حق طلب مغفرت او نماید و طبرانی از ابی امامه
از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که چون خاک بر قبر انباشته شود باید که شخصی
بر سر قبر بایستد و بگوید ای فلان بن فلانه اگر نام مادرش نداند بگوید ابن حوا مرده خواهد شنید
و جواب نخواهد داد باز گوید ای فلان بن فلانه پس خواهد نشست باز گوید یا فلان بن فلانه آنگاه
مرده خواهد گفت ارشاد کن رحمت کند ترا خدا پس بگوید یاد کن آنچه در دنیا بر آن بودی شهادت

ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و انک رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد نبیا
و بالقرآن اماما پس منکر و نکیر هر یک دست دیگری گرفته بگویند که برویم چه کنیم نزد کسی که
او را حجت او تلقین کرده شد **باب در ضغطهٔ قبر** یعنی تنگ گرفتن او حق است
اکثر صالحان را هم میشود کو اندک باشد حتی که سعد بن معاذ رضی الله عنه که از کبار صحابه و نقبای
او بین انصار است و عرش از وفات او حرکت کرد و هفتاد هزار فرشته جنازه او را مشایعت کردند
او را هم ساعتی ضغطه شده و در روایتی آمده که زینب و رقیه دختران رسول کریم صلی الله علیه و آله همراهی
و سلم را هم شده و سبب ضغطه بعضی زلتی باشد که کفارهٔ آن بضغطه شود و بیهقی از امیه بن عبدالله
روایت کرده که از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سبب ضغطهٔ سعد بن معاذ رضی الله عنه پرسیده
شد فرمود که در تطهیر بول چیزی تقصیر میکرد و بیهقی و غیره از عائشه روایت کردند که گفت یا رسول
الله از روزی که حدیث آواز منکر و نکیر و ضغطهٔ قبر فرموده مرا آرام نیست فرمود ای عائشه آواز
منکر و نکیر در گوش مسلمانان چنان باشد که اثمد در چشم و ضغطهٔ قبر بر مسلمان چنان باشد چنانچه
پسر پیش مادر مشفقه شکایت صداع میکند او سر او را در دست میگیرد و بنرمی می افشارد
بعضی علما گفته که عقوبت گناه مسلمان بده چیز دور میشود یکی آنکه توبه کند دوم آنکه از خدا
طلب مغفرت نماید سوم آنکه از عمل صالح گناه او دور میشود چهارم آنکه در دنیا او را مصیبتی رسد

پنجم آنکه در قبر ضغطه نشود ششم آنکه دیگر مسلمانان برای او دعای مغفرت کنند هفتم آنکه ثواب اعمال صالحه بخشند هشتم آنکه در روز قیامت سختی نکشد نهم آنکه شفاعت نبی صلی الله علیه و آله وسلم دستگیری فرماید دهم آنکه رحمت ارحم الراحمین شامل حال او باشد و ابونعیم در حلیه از عبدالله بن شخیر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده هر که در مرض موت قل هو الله احد خواند از فتنهٔ قبر و ضغطهٔ قبر محفوظ باشد و ملائکه روز قیامت او را بدستهای خود برداشته از صراط گذرانیده بجنت رسانند

باب اعمال او بصورت انسان شده مصاحبت کنند در قبر

ابن ابی الدنیا عن عطا بن یسار وغیره روایت کرده که چون مرده را در قبر نهاده شود اعمال او حاضر شوند بصورت انسانی و بگوید من عمل توام گذاشتی اهل خانه و اولاد و قبیلهٔ خود را و آنچه خدا ترا داده بود پس پشت خود کسی با تو در قبر تو سوای من داخل نشده پس بگوید کاشکی ترا اختیار میکردم بر اهل و ولد وغیره و بر هر چه خدا مرا عطا کرده بود چون کسی با من نیامده سوای تو ❊ ❊

باب در کلام قبر و عذاب قبر

و ترمذی حدیث حسن از ابی سعید روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده بسیار کنید ذکر شکننده لذتها را که موت است بدرستی هیچ روز نمی آید که قبر در آن نمی گوید که من خانه تنهائی و غربت ام و خانه خاک و کرم وقتیکه دفن کرده میشود بنده مومن قبر او را مرحبا بگوید و میگوید که تو دوست ترین مردم بودی که بر من می رفتی پس چون والی کرده شدم من امروز بر تو می بینی آنچه با تو سلوک میکنم پس فراخ شود قبر تا مد نگاه و کشاده شود دری بسوی بهشت و چون کافر یا فاجر دفن کرده شود گوید قبر لا مرحبا و لا اهلا هر آینه مبغوض ترین مردم بودی که بر من میرفتی پس چون والی کرده شدم من امروز بر تو پس می بینی آنچه بتو می کنم پس به پیچد بروی تا که جای یکدیگر نشوند استخوان سینه او و فرمود رسول صلی الله علیه و آله وسلم پس مسلط کرده شود بروی هفتاد مار اگر یکی از انها دم زند در زمین نروید از زمین چیزی تا که باقی ماند دنیا پس بگزند و نیش زنند آن مارها تا که حکم شود بسوی حساب فرمود رسول صلی الله علیه و آله وسلم

قبر چمنی ست از چمنهای بهشت یا غاریست از غارهای دوزخ و درین باب احادیث بسیار اند

باب در فتنهٔ قبر یعنی سوال منکر و نکیر احادیث بسیار وارد شده بتواتر رسیده چنانچه حدیث براء بن عازب و تمیم داری بالا گذشته و دیگر احادیث بعضی مختصر و بعضی مطول مروی ست و ابن ماجه وغیره از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود و قتیکه مرده را داخل قبر کرده میشود او را آفتاب وقت غروب متمثل میشود پس می نشیند چشمها مالیده میگوید که بگذارید مرا که نماز گزارم و حکیم ترمذی از سعید بن مسیّب روایت کرده که چون سوال کرده میشود میت که من ربک شیطان حاضر میشود پس اشارت بسوی خود میکند که منم پروردگار تو حکیم ترمذی گفته که قوله صلی الله علیه و آله و سلم اللهم اجره من الشیطان تایید این قول میکند **فصل** در کیفیت سوال اختلاف روایات ست شاید که بعضی مردم از بعض اعتقادات سوال کرده میشود و بعضی از مجموع آن یا راوی در روایت بر بعضی اقتصار کرد و در بعضی روایات ست که در یک مجلس سه بار سوال کرده خواهد شد و از طاؤس مرویست که تا هفت روز سوال کرده شود **فائده** هرکه دفن نکرده شده بردار کشیده شد یا غرق شد یا سوخته شد یا درنده او را خورد او هم از ضغطه و سوال و عذاب یا ثواب بی نصیب نیست قبر عبارت از عالم برزخ است **فصل** ابن عبد الله گفته که سوال نخواهد شد مگر مؤمن را یا منافق را که منسوب ست بدین اسلام بخلاف کافر مجاهر و قرطبی و ابن قیّم میگویند که کافر را هم باشد و سیوطی گفته که قول اول صواب ست **فائده** ابن تیمیه گفته که احادیث متواتره دلالت دارند برانکه روح بسوی بدن عود کرده شود وقت سوال و بران دلالت دارند که روح را دران وقت با بدن نوعی علاقه باشد اگرچه بدن متفرق شده یا سوخته شده و یک طائفه گفته که بدن را بدون روح سوال کرده شود و جمهور انکار این قول میکنند و ابن حزم وغیره میگویند که سوال از روح باشد بغیر بدن **فائده** بعضی محدثین گفته اند که ملائکه سوال جماعت کثیر اند بعضی منکر نام دارند و بعضی نکیر بسوی هر مرده دو کس ازان میروند **فائده** از شقیق بلخی مرویست که پنج چیز طلب کردیم در پنج چیز یافتیم ترک گناهان در نماز ضحی و روشنی قبر در تهجد و جواب منکر و نکیر در قرآت قرآن و عبور از صراط در صوم و سایهٔ عرش

در خلوت **فائده** اصبهانی از انس از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که هرکه در
حالت سکر بمیرد داخل قبر شود در سکر و در روایتی از وست که ملک الموت و منکر نکیر را در حالت
سکر بیند **فائده** بزازی از علما حنفیه گفته که جائیکه میت قرار گیرد آنجا سوال خواهد شد
اگر درنده خورد در شکم او سوال شود و اگر در تابوت نهاده نقل کرده شود سوال نکرده شود مگر
بعد دفن والله اعلم

باب کسی که سوال نشود و عذاب قبر نشود

کسی پرسید یا رسول الله چیست که شهید را در قبر فتنه نمیشود یعنی سوال نمیشود آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که کافی ست برق شمشیرها بر سرش از فتنه طبرانی از ابی ایوب
از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده هرکه در جنگ کفار ثابت قدم باشد تا که
غالب شود یا کشته شود او را در قبر فتنه نباشد و در چند حدیث صحیح آمده که رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود مرابط فی سبیل الله یعنی کسی که بر رهٔ آمدن کفار برای حفظ بلاد اسلام
نشیند و آنجا بمیرد عمل او همیشه جاری ماند و ملائکه عمل مرابط برای او همیشه می نوشته باشند
و از فتنه قبر محفوظ باشد و در بعضی زیاده آمده که روز قیامت شهید برخیزد و ابن جریر در
تفسیر از ابن مسعود روایت کرده که هرکه هر شب سورهٔ ملک خواند از فتنه قبر محفوظ باشد و
هم چنین از کعب احبار از توریت روایت کرده و در حدیث براء بن عازب از آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم آورده که هرکه الم سجده و سوره ملک بخواند از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد
و احمد ترمذی و غیرهما از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده
که مسلمانی که شب جمعه یا روز جمعه بمیرد از فتنه قبر محفوظ باشد قرطبی گفته که چون شهید سوال
نکرده شود پس صدیق که از و در قدر عالی ست بطریق اولی سوال نکرده شود و حکیم ترمذی
بعدم سوال از صدیقان تصریح کرده و احادیث مرابط مقتضی هستند که حکم عدم سوال
در هر شهید ست مخصوص نیست بمقتول در معرکه اقول کسیکه بعد نماز برای انتظار نماز دوم
در مسجد نشسته باشد رسول کریم صلی الله علیه وآله وسلم در حق او فرموده فذالکم الرباط پس

وی هم سوال نکرده شود و ابونعیم از جابر روایت کرد که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
هر که روز جمعه یا شب جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ باشد و روز قیامت آید و بروی علامت شهدا
باشد و در روایتی آمده که از عذاب قبر و فتنهٔ قبر محفوظ باشد و ملاقات کند با خدا و بروی حساب
نباشد و روز قیامت آید و با وی شهود باشند که شهادت دهند **باب در فظاعت قبر**
وسهولت آن حاکم وغیره از عثمان رض روایت کرده که بر قبر ایستاد و بگریست تا که ریش او تر شد
و گفت که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که قبر اول منزل از منازل آخرت است
هر که ازان نجات یافت بعده آسان تر است از وی و هر که دران نجات نیافت بعد از وی
سخت تر است از وی و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم که ندیده شده هیچ جای مخوف تر
مگر آنکه قبر از وی شدید تر است و ابن ماجه از براء بن عازب روایت کرده که آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم بر کنارهٔ قبر نشست و بگریست تا که زمین تر شد و فرمود که ای برادران من برای مثل
این جا تیاری کنید و ابن منده از ابن مسعود روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود که مسافر را قبر فراخ کرده شود آنقدر که از اهل خود دور است و احمد و نسائی و ابن ماجه
از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که بمیرد در غیر مولد خود قیاس
کرده از مولد او تا جای قدم او جای او در بهشت باشد ابن منده از ابی هریره روایت کرده
ازان سرور صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که مسلمان در قبر خود در چمن سبز باشد فراخ کرده شود
قبر او هفتاد ذراع و روشن کرده باشد مانند ماه شب چهاردهم و ابن ابی الدنیا و وهب بن منبه
گفته که عیسی علیه السلام با حواریین بر قبری بود و ذکر کرده شد وحشت قبر و تنگی و تاریکی آنرا گفت
عیسی علیه السلام بودید شما در تنگ تر ازان در شکم های مادران خود پس وقتیکه خواست خدا فراخ
کردن فراخ کرد و دیلمی از ابن عباس و از انس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود رحیم تر بودن حق تعالی به بنده خود وقتی باشد که بنده داخل قبر شود و مردم و اهل او ازو
متفرق شوند اقول الحمد لله که در تنهائی حق تعالی قرین و رحیم باشد شعر جهانی مختصر خواهم
که در وی * همین جائی من و جائی تو باشد * **فصل** دیلمی از علی رض از آنحضرت صلی الله علیه و
آله وسلم روایت کرده اول عمل آخرت قبور است فرق نمیکند در شریف و رذیل

باب در ثواب مشایعت جنازه

ابن ابی الدنیا از جابر بن عبد الله از نبی صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که تحفه مسلمان آنست که بخشیده شود کسی که برآید در جنازه او و همچنین روایت کرد ابن ابی الدنیا و بزاز و بیهقی از ابن عباس از آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم و در زیاده ابو الشیخ از سلمان فارسی و حاکم و بیهقی و دیلمی از ابی هریره و حکیم ترمذی از انس روایت کرده

باب اسباب نورانیت قبر و تاریکی قبر

مسلم از ابی هریره روایت کرده که این قبور پر هستند از تاریکی و حق تعالی آنرا روشن می کند بصلوٰة من بر وی تحقیق که مراد آن باشد که هر که بر من درود فرستد من بر وی درود فرستم قبر او روشن شود و دیلمی از انس روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود خندیدن در مسجد تاریکی باشد در قبر و ابن ابی الدنیا از سری بن مخلد روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ابوذر را فرمود که اگر اراده سفر کنی البته سامان سفر مهیا سازی پس چگونه باشد سفر راه قیامت آیا آگاه نسازم ترا بدانچه نفع کند ترا آن روز گفت آری بفرمای فدایت پدر و مادر من فرمود روز سخت گرما روزه داشتن برای روز قیامت مفید است و در تاریکی شب دو رکعت گذاردن برای وحشت قبر و ابو نعیم از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر که صد بار هر روز گوید لا اله الا الله الملک الحق المبین کان له امانا من الفقر یعنی باشد او را امان از فقر و انس در قبر و کشاده شود برای او درهای بهشت و دیلمی از ابن عباس روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود وقتیکه عالم بمیرد حق تعالی علم او را صورت دهد که در قبر مونس او باشد تا روز قیامت و دفع کند از وی هوام ارض را و احمد و ابن عبد البر از کعب احبار روایت کرد که حق تعالی وحی کرد بسوی موسی علیه السلام که علم دین بگیر و مردم را بیاموز که من منور کنم علم دهنده و علم گیرنده را قبور شان تا که وحشت نیابند از جای خود و ابو الشیخ و ابن ابی الدنیا از امام جعفر صادق ع از پدر از جد او روایت کرده

که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که داخل نکرد هر مردی بر مسلمانی خرمی مگر آنکه پیدا میکند حق تعالی ازان خرمی فرشته که عبادت خدا و توحید کند او را وچون آن بنده در قبر شود آید آن سرور پس بگوید که مرا می شناسی پس گوید که تو کیستی گوید که من آن سرورم که داخل کردی تو بر فلان کس امروز من ترا انس میدهم از وحشت تو و می آموزم ترا حجت تو و ثابت کنم ترا بر قول ثابت یعنی بر جواب منکر ونکیر و حاضر شوم جاهای حضور روز قیامت و شفاعت کنم برای تو و نمایم ترا جای تو از بهشت و ابن منده از ابی کاهل روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند بدان ای ابی کاهل آنکه بدرستی هرکه باز دارد ایذا از مردم باشد حق بر خدا که باز دارد از وی ایذا در قبر و ابو الفضل طوسی از عمر رضی الله عنه از آنحضرت روایت کرده که هرکه روشنی کند در مساجد خدا روشنی کند خدا در قبر او و هرکه خوشبو کند در مسجد داخل کند حقتعالی در قبر او خوشبو و خوشی بهشت

باب در حساب قبر

حکیم ترمذی از حذیفه روایت کرده که گفت که در قبر حساب خواهد شد و هم در آخرت حساب خواهد شد هرکه در قبر حساب کرده شد نجات یافت وهرکه روز قیامت حساب کرده شد عذاب کرده شد و احمد از عائشه رض روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند حساب نکرده خواهد شد روز قیامت کسی پس بخشیده شود و او را بیند مسلمان عمل خود در قبر و ابن عساکر در تاریخ روایت کرده که گفت قسم بکسی که جان من در دست اوست نمیرد مردی و در دل او مقدار حبه باشد از دوستی کسیکه عثمان رض را قتل کرد مگر آنکه او تابع شود دجال را وقتیکه دریابد او را و اگر او را در نیابد ایمان آورد بدو در قبر خود

باب در عذاب قبر

عذاب قبر حق است رواه البخاری عن عائشه رضی الله تعالی عنها عنه صلی الله علیه وآله وسلم درین باب احادیث بسیار وارد شده رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر رواه البخاری از ابی هریره فرموده مرگان جن در قبور عذاب کرده میشوند

بهائم آنرا می شنوند و احمد و ابو یعلی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و
آله وسلم فرمودند که مسلط کرده خواهد شد بر کافر نود و نه اژدها که بگزند او را تا روز قیامت و در
حدیثی احمد از عائشه روایت کرده که فرستاده شود بر کافر دو ماری یکی از جانب سر و دوم از جانب پای
بگزند او را تا روز قیامت و در صحیحین از ابن عباس مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
بر دو قبر گذشتند و فرمودند که این هر دو عذاب کرده میشوند و معذب نیستند در کاری بزرگ
یکی از اینها از بول تنزه یعنی احتیاط نمیکرد و دوم میرفت بنمیمه یعنی سخن یکی بدیگری میرساند تا در اینها
ناخوشی پیش آید پس گرفت آنحضرت شاخی تر و آنرا دو پاره کرد و بر هر یک قبر یکی بنهاد و گفتند یا
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این کار چرا کردی فرمود که شاید تخفیف شود از اینها تا که
خشک نشوند و ابن ابی الدنیا و بیهقی از میمونه روایت کرد که گفت نبی صلی الله علیه وآله وسلم
ای میمونه از عذاب قبر پناه بخدا جو و بدرستی سخت عذاب قبر بسبب غیبت و بول می شود و در
دیگر چند حدیث آمده عذاب قبر بسبب غیبت و نمیمه و عدم احتیاط از بول بیشتر میشود و طحاوی
و ابو الشیخ از ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
حکم شده برای یک بنده که او را در قبر چند دُرّه زده شود پس آن سوال و دعا می کرد تا آنکه یک دره ماند
پس پر شد قبر او از آتش پس هرگاه عذاب از وی مرتفع شد بهوش آمد و گفت که بر چه چیز مرا دره
زدید گفتند که تو نماز بی وضو گزارده بودی و بر مظلوم گذشته بودی و مددگاری مظلوم نکرده بودی
و در بعضی روایات ابن ابی شیبه و غیره آمده که او گفت برای چه مرا دره زدند من خود ورع و تقوی
داشتم و ابن ابی الدنیا از حسن از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که هر که کسی از اصحاب
من بد گوینده باشد حق تعالی مسلط کند بر وی جانوری که قطع کند گوشت او را یا بدرد او را
تا روز قیامت و ابن عساکر از واثله بن اسقع روایت کرد که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
که اگر قدریه یا مرجئه مرده باشد پس اگر بعد از سه روز قبر او کشوده و دیده شود روی او برگشته از قبله و ابن
ابی الدنیا از ابی اسحق فزاری روایت کرده که مردی پیش او آمده گفت که من کفن دزدی میکردم
و میدیدم بعضی مردم را برگشته روی آنها از قبله ابو اسحق این قصه باوزاعی نوشت اوزاعی گفت
آن کسانند که مردند بر خلاف مذهب اهل سنت و جماعت و عمر بن میمون از عمر بن عبد العزیز مردی

روایت کرده که من بودم در کسانیکه ولید بن عبد الملک را دفن کردند پس دیدم که هر دو زانوی او تا گردن او بسته شدند پس عمر بن عبد العزیز بند گرفت یعنی توبه کرد از آنچه مروانیان در حق امیر المومنین علی می گفتند و ابن ابی الدنیا از مفضل بن یونس روایت کرده که عمر بن عبد العزیز بن عبد الملک را پرسید که پدر ترا و برادر ترا ولید را که دفن کرده بود گفت فلان کس معتق من گفت که مرا حدیث کرد فلان کس که چون من آنها را در قبر نهادم و رفتم تا گره از کفن بکشایم دیدم روی آنها برگشته سوی پشت

باب در انقطاع عذاب قبر

عذاب قبر از کفار منقطع نمیشود و بعضی گفته اند که روز جمعه و ماه رمضان منقطع میشود و این قول مردود است از آیات و احادیث ابن قیم گفته که عذاب کفار و بعضی مسلمانان عاصی در قبر منقطع نشود و بعضی گناهگاران که قدر گناه عذاب شود پس منقطع کرده و آن قول و هم بدعا و شفاعت دیگر مسلمانان منقطع شود و یافعی گفته که روز جمعه و شب جمعه منقطع باشد نسفی گفته باز عود نکند یعنی عذاب تا یک جمعه شود و اگر شود ولیکن حدیث بران دلالت دارد که زیاده از یک هفته هم عذاب باشد چنانچه در حدیث نهادن حضرت شاخ سبز بر دو قبر گذشته آنها از مدتی زیاده از یک هفته مدفون بودند ابو یعلی از انس و بیهقی از عکرمه بن خالد روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر که روز جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ باشد

باب کسی که در قبر معذب نشود

ترمذی و ابن ماجه و بیهقی از سلیمان بن صرد و خالد بن عرفطه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند هر که از شکم مرد عذاب قبر نکرده شود یعنی از جریان شکم از ابن مسعود و ابن عباس و غیره بچند طرق مرویست که خواندن سوره ملک هر شب از عذاب قبر نجات میدهد صحابه در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سورة الملک را مانعه از عذاب قبر میگفتند و دارمی از خالد بن معدان روایت کرده که الم تنزیل السجدة از طرف صاحب خود در قبر مجادله خواهد کرد خواهد گفت الهی اگر من از کتاب توام شفاعت من قبول کن و اگر نه مرا از کتاب خود دور

کن مانند پرنده مرده را زیر بازوهای خود گیرد و شفاعت کند و از عذاب قبر محفوظ دارد و همچنین
تبارک الملک و دارمی و ترمذی از جابر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نمی خفت
تا که سوره الم تنزیل و سوره ملک میخواند اصبهانی در ترغیب از ابن عباس روایت کرده که
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده هر که شب جمعه بعد مغرب دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت
فاتحه یکبار و اذا زلزلت الارض پانزده بار خواند سکرات موت بروی آسان شود و از عذاب
قبر محفوظ باشد و گذر بر صراط روز قیامت آسان شود و رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده هر که
آیة الکرسی بعد هر نماز خواند هیچ چیز او را از دخول جنت مانع نباشد مگر موت این حدیث را
نسائی و ابن حبان و ابن مردویه و دارقطنی از ابی امامه و بیهقی از علی و از حدیث صلصال
بن الدلهمس روایت کرده **فصل** طبرانی و اصبهانی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی
الله علیه وآله وسلم فرموده بر اهل لا اله الا الله وحشت نباشد نه وقت مرگ و نه در قبر و نه در
وقت بعث اقول این حدیث اگر بر عموم داشته شود گفته شود که بر قدر که وحشت کفار را
باشد البته مسلمانان را نباشد و نفی مطلق وحشت نتوان کرد بسبب تعارض دیگر احادیث
که بر عذاب قبر عصاة مؤمنین دلالت دارد و ظاهر آنست که مراد از اهل لا اله الا الله کسانند
که بفنا و بقا مشرف شده اند در ساحت سینه شان غیر ذات پاک هیچ مقصود نمانده چرا که
عبادت عبارتست از کمال تذلل پیش معبود و شک نیست که هر چه مقصود کسی باشد آنکس برای
حصول مقصود خود کمال تذلل اختیار می کند پس هر چه مقصود اوست معبود اوست معنی
لا مقصود الا الله و لا معبود الا الله بیکجا میرسد و چون مقصود او جز ذات پاک چیزی نماند از
ربقه ما سوی الله آزاد شد و از شرک خفی پاک گشت و او را در حالت حیات انس و محبت با خدا
باشد نه با هیچکس پس او را خلوت در انجمن بهم رسد یعنی با وجودیکه در انبوه باشد باطنش مشغول
است بخدا نه بکسی دیگر لا یؤمن احدکم حتی یکون الناس عنده کالاباعر یعنی ایمان کامل نمیشود
تا که مردم نزد او مثل پشک شتر باشند یعنی با هیچکس سروکار نداشته باشد پس چنین کس که انبوه
او را مانع خلوت نیست اگر چه گاهی انبوه موجب تشویش میشود و او را در تنهائی بطریق اولی
انس است پس او را در قبر از جدائی مردم چرا وحشت باشد بلکه زیاده تر لذت و انس باشد

رباعی آنکس که ترا شناخت جان را چه کند + فرزند و عیال و خانمان را چه کند -
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی + دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند + اینچنین کسان بهشت را هم طلب
نمیکنند مگر برای آنکه مرضی خداست و در آن دیدار خداست و ما مأموریم بطلب او چنانچه
مولوی روم می فرماید شعر چون طمع خواهد ز من سلطان دین + خاک بر فرق قناعت
بعد ازین + اللهم ارزقنا حبک وحب من یحبک وحب عمل یقربنا الی حبک باب دهم
بیان آنکه انبیا و اولیا در قبور خود بنماز و ذکر خدا مشغول و متلذذ باشند در صحیح مسلم
از انس مرویست که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در شب معراج گذشت بقبر موسی علیه
السلام و او در قبر خود نماز میخواند و ابو یعلی از انس از آنحضرت روایت کرده صلی الله علیه و آله
وسلم که انبیا زنده اند در قبور خود و نماز می خوانند و ترمذی و حاکم و غیرهما از ابن عباس روایت
کرده که بعضی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر قبری خیمه زد و نمیدانست که آنجا
قبر است ناگاه آنجا انسانی بود سوره ملک خواند آن صحابی بآنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
خبر کرد آنحضرت صلعم فرمود که این سوره مانعه است و نجات دهنده از عذاب قبر حافظ زین الدین
گفته که حق تعالی بعضی را از اهل برزخ گرامی میکند باعمال صالحه اگرچه از آن عمل او را ثواب نباشد
که عمل از موت منقطع شده لیکن عمل او برای آنست که تنعم و تلذذ کند بذکر خدا چنانچه
ملائکه و اهل بهشت تنعم و تلذذ کنند بذکر خدا چه نفس ذکر از نعیم دنیا بهتر است اقول نفس الذکر
از نعیم جنت هم بهتر است پس قول او که ثواب نباشد بیجاست نمی بینی که عوام از سرود و
شعر لذت میگیرند و حظ می برند از آن سبب که در آن ذکر محبوب است خواص که محبوب
شان جز حق جل و علا نیست لذت و حظ ایشان از ذکر خداست لا غیر خلالی در حدیث ضعیف
روایت کرده از ابن عباس که مسلمان را مصحف داده میشود در قبر تا که بخواند **فصل** و ابن
ابی الدنیا از یزید رقاشی روایت کرده که مرا رسیده است که مسلمان اگر مرد در حالیکه بعض
قرآن نخوانده حق تعالی فرشتگان را فرستد تا که آنچه از قرآن باقی مانده او را بیاموزند و همچنین از
حسن و عطیه عوفی مرویست **فصل** ابن ابی شیبه در مصنف از ابن سیرین روایت کرده
که دوست میداشت که مرده را کفن نیکو داده شود و می گفت که مردگان باهم در کفن خود

ملاقات و زیارت همدیگر میکنند و همچنین ابن عدی از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
روایت کرده مرفوعاً و عقیلی و خطیب از انس و همچنین ترمذی و غیره از ابی قتاده و مراد از نیکو
کردن کفن آنست که از حلال باشد و موافق سنت باشد و سفید پاک و پاکیزه نه آنکه بیش قیمت
باشد ابوبکر صدیق جامه کهنه برای کفن خود داده فرموده که برای پارچه نو زنده مستحق ترست

باب زیارات قبر

ابن ابی الدنیا از عائشه رض روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند نیست مردی
که زیارت کند قبر برادر خود را و بنشیند آنجا و سلام گوید مگر آنکه مرده جواب سلام او میدهد و همچنین
بیهقی و غیره از ابی هریره روایت کرده مرفوعاً و موقوفاً و در صحیح مسلم از ابی هریره مرویست که رسول
صلی الله علیه و آله و سلم بسوی مقبره برآمد السلام علیکم دار قوم مؤمنین و انا ان شاء الله بکم
لاحقون گفته و از عائشه مثل آن زیاده کرده یرحم الله المستقدمین منا و المستاخرین و نسائی
و ابن ماجه از بریده از آنحضرت ص همچنان روایت کرده و بعد لاحقون زیاده کرده انتم لنا فرط و نحن لکم
تبع اسال الله لنا و لکم العافیة و ترمذی از ابن عباس و طبرانی از علی بخوان و ابن ابی الدنیا
از ابی هریره روایت کرده که هر که داخل مقابر شود و برای آنها از خدا طلب مغفرت کند و برآنها
رحمت کند گویا که نماز جنازه آنها گزارد

باب در مقر ارواح

در جای قرار ارواح روایات مختلف آمده مالک و نسائی بسند صحیح از کعب بن مالک روایت کرده
که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که روح مسلمانان پرنده است معلق باشد در درخت
جنت تا که رجوع کند بسوی جسد او روز قیامت و احمد و طبرانی از ام هانی از آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم همچنین روایت کرده و همچنین ابن عساکر از ام بشر امراة ابی معروف و ابن
ماجه و طبرانی در روایتی از ام بشر آورده که شنیدم از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که میفرمود روح
مومن پرنده است سیر میکند در بهشت هر جا که خواهد و روح کافر در سجین است و طبرانی و غیره

از حمزه بن حبیب از آنحضرت صلعم روایت کرده که روح مومنان در پرنده سبز باشد سیر کنند
در بهشت هر جا که خواهد و ارواح کفار محبوس اند در سجین و در بعضی احادیث در حق شهدا آمده ارواح
شهدا در شکم پرنده سبز باشد که بچرد در نهرهای جنت هر جا که خواهد و جای گیرد در قندیلها زیر
عرش ایچنین مسلم از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم آورده و ابوداود و حاکم
وغیرهما از ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم در حق شهدای احد آورده و بقی بن
مخلد از ابن سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نحوه و هناد بن سری از ابی سعید
نحوه و ابو الشیخ از انس روایت کرده که حق تعالی شهدا را در شکم پرندگان سفید در قندیلهای
معلق بعرش گردانده و ابن منده از ابن شهاب بلاغا گفته که ارواح شهدا مانند پرنده سبز معلق
بعرش باشند و ابن ابی حاتم از ابی الدرداء آورده که گفت ارواح شهدا پرنده سبز در قندیلها
معلق زیر عرش باشند سیر کنند در چمنهای بهشت هر جا خواهند و در صحیح بخاری از انس مرویست
که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در حق حارثه بن سراقه که شهید شده گفته که او در فردوس
اعلی ست و این احادیث که در حق شهدا وارد شده دلالت ندارد بر آنکه سوای شهدا کسی
دیگر باین مرتبه نباشد انبیا و صدیقین از شهدا افضل اند و احادیث متقدمه دلالت دارند
که ارواح مومنان در بهشت باشند در آن تخصیص شهدا نیست و دیگر احادیث در حق اطفال
مسلمین وارد شده اند که در بهشت باشند احمد و حاکم و ابوداود و غیرهم از ابی هریره روایت
کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که اولاد مومنین در کوهی باشند در بهشت پرورش
کنند آنها را ابراهیم علیه السلام و ساره رد کنند آنها را بسوی آبای شان روز قیامت و از خالد بن
معدان آمده که از شجره طوبی شیر خورند و سعید بن منصور از مکحول از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
مرسل روایت کرده که ذریت مومنان در عصفورهای سبز باشند در بهشت و ابن ابی شیبه و بیهقی
از ابن عباس از کعب روایت کرده که در بهشت در پرنده سبز ارواح شهدا باشد سیر کنند در بهشت
و ارواح اطفال مسلمین در عصفورهای در جنت باشند و ارواح آل فرعون در پرنده سیاه صبح
و شام پیش آورده شوند بر دوزخ و همچنین هناد بن سری از هذیل روایت کرده و چون اطفال
مسلمین که بتابعت آبا و امهات به مسلمین ملحق اند در بهشت باشند لیکن کبار مسلمین که بصلاح

و تقوی آراسته باشند بطفیل اولی در بهشت باشند ازین احادیث معلوم میشود که ارواح مؤمنین
در بهشت باشند و ارواح کفار در دوزخ لیکن چون در قرآن و حدیث غالباً ذکر مؤمنان و کافران
آمده مؤمنان کامل مراد اند و عصاة مؤمنین در مقابله کفار مذکور نشده اند پس این احادیث
را بر مؤمنان کامل حمل باید کرد و آن چهار گروه اند النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین
مراد از صالحین اولیاء الله اند که قلوب شان از اشتغال بما سوی الله پاک گشته صالح تجلیات
الٰهی گشته در حق آن رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده ان فی قلب بنی آدم لمضغة اذا
صلحت صلح الجسد کله و اذا فسدت فسد الجسد کله الا و هی القلب یعنی در بدن انسان مضغهٔ
گوشت است اگر صالح شد تمام بدن صالح شد و اگر فاسد شد تمام بدن فاسد شد آگاه باش که
قلب است و نفوس شان از رذائل صفات پاک گشته از اهواء باطله استغفار کرده بمرضیات
الٰهی اطمینان پذیرفته حق تعالی در حق وی میفرماید یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک
راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی یعنی سوای آن چهار گروه هر کرا خدا خواهد
باین بزرگان ملحق سازد که حق تعالی میفرماید و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین
انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا و بعضی
احادیث دلالت دارند که جای قرار شهدا بیرون بهشت است چنانچه احمد و طبرانی و ابن
ابی شیبه بسند حسن از ابن عباس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده ارواح
شهدا بر نهری بر دروازه بهشت در قبهٔ سبز است برآید بسوی آنها رزق از جنت صبح و شام
و هناد بن سری و ابن ابی شیبه از ابی بن کعب روایت کرده که شهدا باشند در خیمها بیرون نزدیک
بهشت فرستاده شود بسوی ایشان ماهی و گاو با هم تلاطم و عراک کنند و شهدا با آنها
بازی کنند و وقتیکه خواهند یکی از ایشان دیگری را بکشند پس بخورند آنرا و لذت هر چیز که در جنت است
ازان یابند و آدم بن ابی ایاس از مجاهد روایت کرده که بیرون جنت باشند و میوه جنت و
بوی آن بایشان رسد این احادیث در قوت مثل احادیث سابق نیستند و محتمل که بعضی شهدا
بیرون جنت باشند چنانچه در احادیث شهدا چند مرتبه فرموده مردی صالح جید الایمان خالصاً
لله شهید شد مرتبهٔ او اعلی ست انبیا بروی بدرجه نبوت فضل دارند و مردی ست که عمل صالح

و غیر صالح میکنند شهید شد گناهان او بخشیده شود لیکن از دخول جنت دین یا چیزی دیگری
از حقوق الناس او را مانع شود چنانچه مسلم از ابی قتاده و عبدالله بن عمرو بن عاص روایت کرده
که آنحضرت صلعم فرمود که شهید را همه گناهان بخشیده شود مگر دین جبرئیل بمن همین وقت گفته و
بعضی احادیث دلالت دارند که ارواح مومنین در آسمان هفتم باشند و منازل خود که در
بهشت اند می بینند این چنین ابونعیم بسند ضعیف از ابی هریره روایت کرده و وهب بن
منبه گفته که در آسمان هفتم خانه ایست که آنجا ارواح مومنین جمع میشوند هر که می میرد آنجا
میرود و ارواح سابق از وی اخبار دنیا می پرسند و سعید بن منصور از سلمان فارسی
روایت کرده که روح چون از بدن خارج شود در میان آسمان و زمین می باشد و ابن مبارک و
حکیم ترمذی و ابن ابی الدنیا و ابن منده از سعید بن مسیب از سلمان روایت کرده که ارواح
مومنین در برزخ باشند از زمین سیر کنند هر جا که خواهند و نفس کافر در سجین این احادیث
و اقوال اگر بدرجه صحت رسند محمول بران باید کرد که بعضی مومنان اعمال شان آنقدر
مساعدت نکنند که داخل بهشت شوند در آسمان هفتم باشند بعضی از اینها آنچنان باشند که
از آسمان برتر نتوانند رسید در میان زمین و آسمان باشند لیکن محبوس بذنوب چندان نباشند
قدرت سیر داشته باشند و بعضی دیگر که بذنوب اسیر باشند قدرت سیر نداشته باشند طبرانی
از انس روایت کرده که جنازه آمد رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسید که برین قرض هست
گفتند هست فرمود نماز من نفع نخواهد کرد محبوس باشد در قبر روح او بسوی آسمان
صعود نکند اگر کسی قرض ضامن شود نماز خوانم و ترمذی و ابن ماجه و غیره از ابی هریره
روایت کردند که روح مومن محبوس باشد تا که دین او ادا شود و همچنین از آنحضرت صلعم از براء
بن عازب طبرانی روایت کرده که مدیون محبوس باشد شکایت تنهائی خود کند پیش خدا
و بزار و طبرانی از ابن عباس روایت کرده که آنحضرت فرمود که اینجا کسی از هذیل هست یار
شما بدروازه بهشت محبوس است عوض دین اگر خواهند دین او ادا کنند و اگر خواهند
او را بعذاب خدا بسپارند پس کسی است که بسبب دین یا مانند آن داخل بهشت نتواند شد
یا بدروازه بهشت نتوانند رسید یا از آسمان برتر نروند یا در قبر محبوس باشند و ارواح کفار

همه شان در سجین زیر زمین هفتم جائیکه دوزخ ست محبوس باشند و صبح و شام بر دوزخ پیش
آورده شوند النار یعرضون علیها غدوا و عشیا و یوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد
العذاب درین احادیث باین وجه تطبیق داده میشود لیکن دیگر احادیث دلالت دارند که
ارواح مومنین و کفار همه شان در قبور آنها هستند چنانچه حدیث طویل براء بن عازب گذشته
که روح مومن را فرشتها تا آسمان هفتم رسانند حکم شود و بنویسید کتاب بندهٔ من در علیین و باز
برید او را بسوی زمین که از زمین پیدا کرده ام و باز در وی گردانم و باز از وی بیرون آرم
پس داخل کرده شود روح در جسد او و دیگر احادیث هم باین معنی دلالت دارند تا آنکه ارواح
انبیا هم در قبور شان باشند رسول کریم صلی الله علیه و آله وسلم موسی علیه السلام را در شب
معراج دید که در قبر خود نماز میخواند و رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر که درود فرستد
بر من نزد قبر من بشنوم آنرا و اگر از دور فرستد رسانیده شود بمن بنا بر اختلاف روایات اقوال
علما درین باب مختلف اند ابن عبد الله گفته که این احادیث اخیره اصح اند و احادیث سوال
منکر و نکیر و نمودن مرده را مکان او و بهشت یا دوزخ و عذاب قبر و ثواب دران و زیارت قبو
و سلام بران و خطاب شان مانند خطاب حاضر عاقل دلالت برهمین دارند که ارواح شان
در قبور شان باشند و نسفی در بحر الکلام گفته که ارواح انبیا چون از جسد بیرون میشوند صورت
شان از مشک و کافور باشد و در بهشت باشند بخورند و بنوشند و تنعم کنند و شبانگاه در
قنادیل زیر عرش جاگیرند و ارواح شهدا در شکم پرنده سبز بخورند و بنوشند و تنعم نمایند و شبانگاه
در قنادیل زیر عرش باشند و ارواح دیگر مردم مطیع از مومنان بر دران نزدیک بهشت باشند
آنها را خوردن و تمتع نباشد مگر آنکه بینند بهشت را و ارواح مومنان عاصی در میان آسمان
و زمین باشند در میان هوا و ارواح کفار در سجین باشند در شکم جانوران سیاه زیر زمین
هفتم و آنها را بوجهی اتصالی باشد با جسد و ارواح را عذاب شود و جسد را درد چنانچه
آفتاب بر آسمان است و نور وی در زمین و حافظ ابن حجر عسقلانی رحمة الله علیه می گوید
که ارواح مسلمانان در علیین و ارواح کفار در سجین و هر یک روح را با جسد خود اتصالی
باشد معنوی که مشابه آن اتصال نیست که در حیات دنیا بود بلکه اگر مشابهت داده شود

بحال خفته داده شود لیکن آن اتصال از اتصال خفته قوی تر است شیخ جلال الدین سیوطی رح
گفته که باین تقریر آنچه در احادیث آمده که جای ارواح ایشان در علیین و سجین است و آنچه ابن عبد البر رح
از جمهور نقل کرده که نزدیک قبور اند جمع میشود و فقیر در این مقام جمع بین الاحادیث در آن می بیند
که ملائکه چون روح مومن را قبض کرده بسوی آسمان میبرند بالای آسمان هفتم میبرند آنجا حکم
می شود که نامهٔ او در علیین بنویسید و او را باز بسوی زمین برند که او را از همان زمین پیدا کرده ام
و باز بوی عائد سازم و باز از انجا بیرون آرم پس روح را داخل جسد آن کنند و سوال منکر
و نکیر شود و انبیا و کسی که مشابهت تامه با انبیا بهم رساند شان آنها از سوال ارفع است و بعد
سوال چون بر جواب حق ثابت شود حکم شود که برای او فرش کنند از بهشت و پوشاک
دهند از بهشت و بکشایند برای او دروازه بسوی بهشت آنگاه روح او صعود کند بهمان راه
که از قبر به بهشت باشد بسوی بهشت ارواح انبیا و شهیدان و صدیقان و اولیا در ان
بهشت باشند و هر جا که خواهند سیر کنند و بخورند و بیاشامند و زیر عرش جا گیرند و در علیین و
اعلی علیین هر یک بحسب مراتب خود باشند و دیگر مومنان را اظهار رسائی تا آنجا نباشد
تا آسمان هفتم باشد و عصاة مومنین را تا که مغفرت ذنوب دست ندهد از آسمان ترقی میسر نشود
در میان آسمان و زمین باشند و در برزخ زمین سیر نمایند بلکه در حالت پابندی معاصی بعضی را
از قبر ترقی نشود و محبوس باشند و کفار را که ارواح قبض کرده برند درهای آسمان بر ایشان مفتوح
نشود و نامهٔ او در سجین نوشته شود و او را باندازند و روح در جسد او داخل نشود و از انجا برای او
راهی بسوی دوزخ کشاده شود و از آن راه روح او را به سجین رسانند و صبح و شام بر دوزخ
عرض کرده باشند و بر بودن ارواح شهدا و صلحا در بهشت دلالت دارد قوله تعالی قیل ادخل
الجنة قال یالیت قومی یعلمون بما غفر لی ربی وجعلنی من المکرمین که در حق حبیب نجار
است و انبیا و صدیقان افضل و اشرف اند از شهدا لیکن چون راهی از قبور شان تا بهشت
حق سبحانه تعالی مسلوک و نیز نزدیک ساخته است هرگاه کسی زیارت قبر کند یا سلام گوید
یا خطاب کند در طرفة العین آنجا حاضر شود و جواب سلام گوید پس بدین رسول صلی الله
علیه و آله وسلم موسی علیه السلام را در شب معراج در قبر در نماز و باز بر آسمان ششم در

همان شب بهمین سبب رسول کریم صلی الله علیه وسلم در شب معراج از زمین تا سدرة المنتهی وجنة الماوی رفت وچه قدر سیر واحکام پیش آمد و باز بر زمین تشریف آورد و بستر هنوز گرم بود و بعد مردن هر چند روح را با جسد بقسم اتصال نباشد که در حالت زندگی چنانچه قوله تعالی الله یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت ویرسل الاخری الی اجل مسمی دلالت بران دارد ولیکن البته علاقه باقی می ماند که ازان ادراک راحت و رنج کند و قطع نظر ازان اگر روح علیحده معذب باشد و جسد علیحده معذب باشد این هم ممکن است و جسد بی روح هر چند نزد عوام احساس لذت والم ندارد ولیکن از شرع ثابت است که عند الله احساس دارند اتینا طائعین قالتا اذنت لربها وحقت ویومئذ تحدث اخبارها نصوص قرآنی است و در حدیث آمده که یک کوه کوه دوم را میگوید که کسی بر تو ذکر کننده هم گذشته است اگر گوید آری خوش میشود و قوله تعالی انا عرضنا الامانة علی السموات والارض الآیه وقوله تعالی وان من شیء الا یسبح بحمده وقوله تعالی فما بکت علیهم السماء والارض وحدیث گریستن آسمان و زمین بر موت مسلمان و خوش شدن زمین از دفن مسلمان و ابا کردن از دفن کافر دلالت دارد و برین مدعا مولوی روم میفرماید شعر آب و باد و خاک آتش بنده اند * پیش ما مرده با حق زنده اند فائده حق تعالی در حق شهدا میفرماید بل احیاء عند ربهم اقول مراد شاید آن باشد که حق تعالی ارواح شان را قوت اجساد میدهد هر جا که خواهند سیر کنند و این حکم مخصوص بشهدا نیست انبیا و صدیقان از شهدا افضل اند و اولیا هم در حکم شهدا اند که جهاد با نفس کرده اند که جهاد اکبر است رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر ازان کنایت است ولهذا اولیاء الله گفته اند ارواحنا اجسادنا اجسادنا ارواحنا یعنی ارواح ما کار اجساد می کنند و گاهی اجساد از غایت لطافت برنگ ارواح می برآید و میگویند که رسول خدا را سایه نبود صلی الله علیه وآله وسلم ارواح ایشان در زمین و آسمان و بهشت هر جا که خواهند میروند و دوستان و معتقدان را در دنیا و آخرت مددگاری می فرمایند و دشمنان را هلاک می نمایند و از ارواح شان بطریق اویسیه فیض باطنی میرسد و بسبب همین حیات اجساد آنها را در قبر خاک نمی خورد بلکه کفن هم می ماند ابن ابی الدنیا از مالک روایت کرده ارواح

مومنین هرجا که خواهند سیر کشند مراد از مومنین کاملین اند وحق سبحانه تعالی اجساد ایشان
را قوت ارواح میدهد که در قبور نماز میخوانند وذکر میکنند وقرآن میخوانند حضرت مجدد
رضی الله عنه فرموده که حق تعالی بعضی اولیا را جسم موهوب میدهد واین حکم در حق شهدا
از حدیث ثابت ست که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده وقتیکه انسان شهید
میشود حق تعالی جسد نازل میکند بهترین صورت وگفته میشود که روح او را که درین بدن داخل
شو پس می بیند جسد اول را انچه باوی کرده میشود وسخن میکند وگمان می برد که مردم سخن
او را می شنوند وگمان می برد که مردم او را می بینند تا که می آیند ازواج او حور عین پس
او را همراه خود میبرند این حدیث را ابن منده مرسل روایت کرده

باب اعمال زندگان بر اقربای مرده عرض کرده میشود

احمد وغیره از انس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم اعمال شما بر اقربای شما که
مرده اند عرض کرده میشود واگر اعمال خوب می باشند خوش میشوند واگر بدی باشند ناخوش
میشوند ومیگویند که الهی آنها را نمیران تا که هدایت کنی و همچنین طیالسی از جابر بن عبد الله
وابن مبارک وابن ابی الدنیا از ابی ایوب روایت کرده ودرین باب احادیث از نعمان
بن بشیر والی هریره والی الدرداء وغیره مرویست باب ارواح مومنان در خواب عروج
میکنند تا عرش ودر عروج عرش ظاهر امراد ارواح مومنان کاملان ست از انبیا واولیا
چون شیاطین را در خوابهای انبیا دخل ممکن نیست خوابهای شان داخل وحی ست وعروج
ارواح اولیا تا فوق آسمانها میشود خوابهای شان اکثر صادق میباشد وچون عروج
ارواح عوام بالای آسمانها نباشد خوابهای شان اکثر اباطیل میباشد در خوابهای اولیا
که از زیر آسمان بینند گاهی خلط شیاطین میشود از علی رضی الله عنه روایت کرده شده که سید لی
صلی الله علیه وسلم فرمود مرد یا زن چون خواب میکند روح او بسوی عرش صعود میکند
وآنجا در آسمانها انچه در خواب می بیند آنخواب صادق میباشد وچون از انجا باز می آید و زیر
آسمان ها می بیند شیاطین در هوا ملاقات میکنند دروغ میگویند آن خواب کاذب میباشد

وبیهقی از عبد الله بن عمرو بن العاص روایت کرده که ارواح می روند بسوی آسمان وامر کرده
میشوند بسجود نزد عرش پس هر که پاک میباشد سجده میکند نزد عرش وهر که پاک نباشد سجده
میکند بعید از عرش وابن مبارک از ابی الدرداء روایت کرده که روح آدمی در خواب عروج
میکند بسوی عرش پس هر که پاک میباشد اذن میشود او را بسجود واگر جنب باشد اذن نکرده
شود بسجود **باب** در انچه مرده را از زندگان ایذا میرسد طبرانی وحاکم از عماره بن حزم
روایت کرده که مرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بر قبری نشسته دید فرمود که از قبر فرود آی
ایذا مکن صاحب قبر را واو ترا ایذا نکند وبخاری از عائشه روایت کرده که فرمود رسول صلی الله
علیه وآله وسلم مردگان را بد نگویید بدرستی که آنها رسیدند بانچه کرده بودند ودر روایت ابن ابی الدنیا
آمده یاد نکنید مردگان را مگر بخیر اگر آنها از اهل بهشت اند گنه گار خواهید شد شما واگر آنها از اهل دوزخ اند
بس است آنها را انچه در ان هستند نسائی از صفیه بنت شیبه روایت کرده که بحضور آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم مرده را به بدی یاد کرده آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بجز نیکی
یاد نکنید وابو داود واز ابن عمر روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که نیکیهای مرده
ذکر کنید وبدیهاو ذکر نکنید وابن ابی شیبه از عقبه بن عامر صحابی آورده که گفت که اگر قدم نهم بر
آتش یا بر شمشیر بهتر است نزد من از انکه قدم نهم بر قبر وقضاء حاجت کردن در مقابر ودر بازار
بحضور آدمیان یکسان میدانم وابن ابی الدنیا روایت کرده که سلیم بن عفرانه در مقبره بول نکرده
گفت حیا میکنم از مردگان چنانچه از زندگان میکنم وسعید بن منصور وابن ابی شیبه از ابن مسعود
روایت کرده که پرسیده شد از پامال کردن قبر فرمود که چنانچه ایذای مومن در حیات مکروه میدانم
همچنین ایذای او بعد موت مکروه میدانم **فصل** رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده
المیت یعذب ببکاء اهله علیه یعنی مرده عذاب کرده میشود بسبب گریستن ونوحه کردن اهل او
بروی این حدیث را بخاری از عمر بن الخطاب وابو یعلی از ابی بکر صدیق وابی هریره وابن حبان
از عمران بن حصین وانس وطبرانی از سمره بن جندب وابن منده از مغیره بن شعبه وابن سعد
از ابن عمر روایت کرده ودر صحیحین از عائشه روایت کرده که پیغمبر خدا چنین نفرموده است
که هر مرده بسبب نوحه اهل او معذب باشد بلکه این حدیث در حق مرده کافر است یا در حق

کسی که بسبب دیگر گناهان معذب است آن حضرت فرموده که اهل میت بر میت گریه و نوحه میکنند
و او عذاب کرده میشود و معنی حدیث سابق بهمین معنی فرود آورده و قوله تعالی لا تزر وازرة وزر
اخری یعنی بر نمی دارد هیچکس گناه دیگری را دلالت دارد که هیچکس بسبب گناه دیگری ماخوذ نخواهد
شد لهذا علما حدیث سابق را تاویل میکنند بعضی تاویل میکنند چنانچه عائشه گفته یعنی محمول
است بر میت کافر یا فاسق و بعضی میگویند مراد از میت کسی است که عادت او نوحه بود یا
کسی که بنوحه وصیت کرده امام بخاری باین معنی قائل گشته و بعضی میگویند که مراد کسی است
که میداند که بعد من اهل من نوحه خواهند کرد و او از آن منع نکرده و بعضی میگویند که مراد از تعذیب
توبیخ ملائکه است بد آنچه اهل او ندبه میکنند ترمذی و حاکم و ابن ماجه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و آله وسلم که هر که بمیرد و ندبه کننده بروی بگوید واجبلاه واسیداه و مانند آن دو
فرشته بر سینه او بزنند و بگویند آیا اینچنین بودی گویم اگر میت بنوحه و ندبه راضی نباشد مستحق
این توبیخ هم نباشد و بعضی میگویند که میت متألم و رنجیده میشود از آنچه اهل او میکنند
طبرانی و ابن ابی شیبه از قیله بنت مخرمه روایت کرده که وی ذکر کرده نزد رسول صلی الله
علیه و آله وسلم فرزند خود را که مرده بود پس گریست پس فرمود رسول الله صلی الله علیه
و آله وسلم آیا غالب میشود بر یکی از شما که صحبت دارد با دوست خود در دنیا بخوبی و وقتیکه میرد
انا لله وانا الیه راجعون گوید قسم کسی که جان محمد در دست اوست بدرستی که یکی از شما گریه میکند
پس حال میکند بسوی دوست او پس ای بندگان خدا عذاب مکنید مردهٔ خود را این قول را ابن
جریر و ابن تیمیه و اکثر ائمه اختیار کرده اند سعید بن منصور روایت کرده که ابن مسعود زنان را
که در جنازه دیده فرمود بازگردید مأزورات یعنی بار بردارنده گناه غیر مأجورات بدرستی که در
فتنه میگذارید زندگان را و ایذا میکنید مردگان را و یحیی بن سعید از حسن بصری
روایت کرده که بدترین آدمیان برای میت اهل اوست که بروی گریه میکنند و دین او ادا نمیکنند

باب در چیزی که میت را در قبر او نفع کند

ابو نعیم از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود وقتیکه بنده مومن

می میرد هر دو فرشته یعنی کاتبان اعمال او بسوی آسمان صعود میکنند و میگویند ای پروردگار
ما را موکل کرده بودی برای نوشتن عمل وی و او را قبض روح کردی پس اذن فرما که در آسمان باشیم
حکم شود که آسمان من پر است از فرشتگان من تسبیح میکنند برای من پس بگویند که اذن فرما
که در زمین باشیم پس فرماید که زمین من هم پر است از خلق من تسبیح میکنند لیکن شما بر قبر
همان بندهٔ من استاده باشید و تسبیح و تهلیل و تکبیر من میگفته باشید تا روز قیامت و آن را
برای بندهٔ من بنویسید ظاهر آنست که این حکم برای مومن کامل ست که چهار فریق اند و ابن
ابی الدنیا و ابونعیم در حلیه از ثابت بنانی روایت کرده که چون مسلمان در قبر نهاده شود اعمال
صالحه او را احاطه کنند و آید فرشته عذاب پس بعضی اعمال او بگویند دور شو از وی اگر نمی بود
او را بجز من تاهم نمیرسیدی تو بوی و در صحیحین از انس ست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم
وقتیکه کسی میمرد سه چیز پیروی او میکنند اهل و مال و عمل دو چیز باز میگردند و عمل نزد وی باقی میماند
و ابن ابی الدنیا از یزید بن منصور روایت کرده که مردی که قرآن میخواند وقت مرگ چون ملائکه
عذاب حاضر شدند تا قبض روح کنند قرآن برآمد و گفت ای پروردگار مسکن من ست که در دل
مرا ساکن کردی حق تعالی فرمود بگذارید برای قرآن مسکن او را و اصبهانی از ابی سنهال روایت
کرده که هیچ رفیق در قبر محبوب تر بسوی مرده از استغفار کثیر نیست و در صحیح مسلم از
ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم وقتیکه انسان مرد عمل او منقطع شد مگر از سه چیز
یکی صدقه جاریه یعنی وقف دوم علم که مردم از وی نفع میگیرند یعنی مردم بعد مردن او از علوم
او منتفع میشوند یعنی تلامذه گذاشته یا کتب تصنیف کرده گذاشته سوم اولاد صالح که برای
او دعا کنند و احمد از ابی امامه آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم چهار چیز آورده چهار شخص که مرابط
ست در راه خدا یعنی برای محافظت اهل اسلام بر راه عبور کفار نیت جهاد نشسته بود و مرد
عمل او هم بعد موت جاری باشد و ابن ماجه و ابن خزیمه از ابی هریره روایت کرده که رسول
فرمود صلی الله علیه و آله وسلم آنچه مسلمان را بعد موت او از حسنات او میرسد علم ست که پراگنده
کرده یا ولد صالح گذاشته یا مصحف گذاشته یعنی تا مردم در آن تلاوت کنند یا مسجد یا
مسافر سرا بنا کرده یا نهر جاری کرده یا صدقه در حالت صحت از مال خود برآورده پس بعد موت او

بوسی لاحق شده وابونعیم و بزار هفت چیز ذکر کرده از جمله آنکه چاهی کنده یا درخت
نشانده و ابن عساکر از ابی سعید خدری از آنحضرت روایت کرده که هر که یک آیت از قرآن یا یک
مسئله از علم کسی را بیاموزد جاری دارد الله تعالی ثواب آن تا روز قیامت و طبرانی از ابی هریره
آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که الله تعالی در بهشت برای بنده صالح درجه بلند
میکند آن بنده بگوید که الهی مرا این درجه از کجا شد گوید بسبب استغفار ولد تو برای تو و نیز
از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که مردی مثل کوهها از
حسنات روز قیامت بیند گوید این از کجاست گفته شود که بسبب استغفار فرزند تست و در
صحیح مسلم از جریر بن عبد الله از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که هر که طریقه
نیک جاری کرد یعنی حسنه را رواج داد او را ثواب آن حسنه باشد و ثواب هر کس که بدان
حسنه عمل کرده باشد رسد بی آنکه ثواب عمل کننده آن حسنه کم شود و هر که طریقه بد جاری کرد
یعنی عمل بد را رواج داد او را گناه آن عمل باشد و هم گناه کسانیکه بدان عمل کنند بی آنکه چیزی
از گناه عمل کنندگان کم شود و ابن سعد از رجا بن حیوة روایت کرده که سلیمان بن عبد الملک
را گفته که از چیزهائی که خلیفه را در قبر محفوظ دارد این است که بعد خود مردی صالح را خلیفه سازد
بیهقی و دیلمی از ابن عباس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که میت مرده
در قبر مگر مانند غرق شونده فریاد کننده انتظار میکند دعای خیر را که برسد او را از پدرش
یا مادر یا فرزند یا دوست معتمد علیه پس چون میرسد او را باشد محبوب تر بسوی او از دنیا و ما
فیها و بدرستیکه حق تعالی داخل میکند بر قبور از دعای اهل زمین مانند کوهها و بدرستیکه هدیه
زندگان بسوی مردگان استغفار است و ابن ابی الدنیا از سفیان روایت کرده که چنانچه
زندگان بسوی طعام و آب محتاج اند مردگان بسوی دعا ازین محتاج تر اند و از اکثر علما
منقول است اجماع بر آنکه دعای زندگان مرده را نفع میکند و دلیل آن از قرآن است

قوله تعالی والذین جاءو من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان
و طبرانی در اوسط از انس از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرموده
که امت من امت مرحومه است داخل قبرها میشوند با گناهان و بیرون خواهند آمد از قبرها

بی‌نیاه دور شوند گناهان شان بسبب استغفار مومنان برای آنها و در صحیحین از عائشه رضی الله
عنها مرویست که مردی گفت یا رسول الله که مادر من بمفاجات مرد و چیزی وصیت نکرد
و گمان دارم که اگر سخن میگفت تصدق میکرد آیا او را ثواب باشد اگر من تصدق کنم از
طرف وی فرمود آری و بخاری از ابن عباس روایت کرده که سعد بن عباده گفت که یا
رسول الله مادر من مرده و من غائب بودم اگر من از طرف او صدقه کنم او را نفع رسد فرمود
آری پس سعد گفت من شاهد میکنم ترا یا رسول الله که باغ من صدقه است از طرف او و احمد
و اصحاب سنن اربعه از سعد بن عباده روایت کرده که گفت یا رسول الله مادر من مرده
کدام صدقه افضل است فرمود صدقهٔ آب پس چاهی کند و گفت که ثواب این چاه برای
ام سعد است و همچنین طبرانی بسند صحیح از انس آورده و طبرانی از ابن عمرو روایت کرده که
رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم وقتیکه تصدق کند یکی از شما صدقه نفل باید که کند آن
صدقه را از پدر و مادر خود پس باشد ثواب آن صدقه پدر و مادرش را و کم نشود از اجر او چیزی
و همچنین دیلمی از معاویه بن حیده روایت کرده و طبرانی در اوسط از انس روایت کرده که رسول
فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که نباشد اهل خانه که کسی از انها مرده پس تصدق کنند از طرف او
بعد موت او مگر آنکه هدیه کند برای او جبرئیل بر طبقی از نور و ایستد بر کناره قبر او و بگوید ای
صاحب قبر عمیق این هدیه فرستاده است بتو اهل تو پس قبول کن پس آن هدیه بر وی
داخل شود پس خوش شود بدان و غمگین شوند همسایگان او که هدیه بسوی شان نفرستاده
شده و ابن ابی شیبه از سعید بن سعید روایت کرده که اگر از طرف میت پارچه صدقه کرده
شود هر آینه رسد او را و طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که زنی گفت یا رسول الله
حج کنم از طرف مادر خود فرمود اگر بودی بر مادر تو دین ادا میکردی گفت آری پس امر کرد
او را که حج کند و همچنین بزار و طبرانی بسند حسن از انس روایت کرده که آنحضرت امر کرد
مردی را برای ادای حج از طرف پدرش و طبرانی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و آله وسلم هر که حج کند از طرف مرده پس حج کننده را هم همان قدر ثواب
باشد و بیهقی و اصبهانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم

هر که حج کند برای والدین خود بعد مردن شان بنویسد الله تعالی برای او آزادی از آتش و
مادر و پدرش را ثواب حج کامل میرسد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم صله رحم بهتر ازین
نیست که برای او حج کند بعد موت او و ابن ابی شیبه از عطا و زید بن اسلم روایت کرده که مردی
گفت یا رسول الله آزاد کنم از طرف پدر خود که مرده است فرمود آری و نیز از عطا روایت کرده
که میرسد بعد موت ثواب عتق و حج و صدقه و روایت کرده از محمد باقر رضی الله عنه که حسن و
حسین علیهما السلام از طرف علی مرتضی رضی الله عنه آزاد میکردند و ابن سعد از قاسم بن
محمد روایت کرده که عائشه از طرف برادر خود عبدالرحمن از مال قدیم خود آزاد کرد با میدآن
که نفع کند او را بعد موت او و ابو الشیخ از عمرو بن العاص روایت کرده که گفت یا رسول الله عاص
وصیت کرده بود با آزاد کردن صد برده پس آزاد کرد هشام از آنجمله پنجاه فرمود صدقه و
حج و عتق کرده نمیشود مگر از مسلم اگر مسلم میبود او را ثواب میرسید و ابن ابی شیبه از حجاج بن دینار
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم از جمله نیکی کردن با پدر و مادر آنست که نماز گزاری
برای آنها با نماز خود و روزه داری برای آنها با روزه خود و صدقه دهی از طرف آنها با صدقه
خود و در صحیحین از عائشه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که بمیرد و بروی روزه
واجب باشد روزه دارد از طرف او قریب او و مسلم در صحیح از بریده روایت کرده که زنی گفت
یا رسول الله صلی الله علیه وسلم بر مادر من روزه دو ماه واجب بود اگر من از طرف او روزه دارم
کفایت کند او را فرمود آری باز گفته که مادر من گاهی حج نکرده بود اگر من از طرف او حج کنم
او را کفایت کند فرمود آری چون ثابت شد که ثواب عباداتی بدنی مانند نماز و روزه و حج
و عبادات مالیه از صدقه و عتق و کندن چاه بمیت میرسد لهذا جمهور فقها حکم کرده اند
که ثواب قرأت قرآن و اعتکاف و غیره هر عبادت بمیت میرسد به قال ابو حنیفه و مالک و
احمد و شافعی درین خلاف کرده حجت می آرند بقوله تعالی لیس للانسان الا ما سعی و چون نصوص
مذکوره و اجماع و بقوله تعالی الحقنا بهم ذریتهم ثابت شده که از اعمال غیر هم گاهی منتفع میشود پس
تاویل این واجب شده پس بعضی گفته که این آیت منسوخ است بقوله تعالی الحقنا بهم الآیة و بعضی گفته که
این حکم خاص است با امت ابراهیم و موسی علیهما السلام و بعضی گفته که لام بمعنی علی است

یعنی لیس عمل للانسان الا ما سعی و بعضی گفته که مراد از انسان کافرست بقرینهٔ سیاق کلام و
تاویل نزد فقیر آنست که معنی سعی جد و کوشش ست در امری و معنی آنست که هر کاری که انسان
میکند آنچه نیت و قصد او در انکار باشد همان او را میرسد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم انما
الاعمال بالنیات وانما لکل امرئ ما نوی فمن کانت هجرته الی الله ورسوله فهجرته الی الله ورسوله
ومن کانت هجرته الی الدنیا یصیبها او امراة ینکحها فهجرته الی ما هاجر الیه حافظ شمس الدین بن
عبدالواحد گفته از قدیم در هر شهر مسلمانان جمع میشوند برای اموات قرآن میخوانند پس
اجماع شده و خلال از شعبی روایت کرده که بودند انصار وقتیکه کسی میمرد از ایشان بسوی
قبر او می رفتند و برای او قرآن میخواندند و ابو محمد سمرقندی از علی رضی الله عنه از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هر که در مقابر گذشت و قل هو الله احد یازده بار خوانده ثواب
آن باموات بخشید او را ثواب او شود بعدد مردگان و ابوالقاسم سعد بن علی از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که داخل مقابر شود پس بخواند فاتحه و قل
هو الله احد و الهکم التکاثر و بگوید آنچه خوانده ام ثواب آن باهل قبور از مومنین و مومنات
گردانیدم آنهمه مردگان برای او شفیع باشند بسوی الله تعالی و عبدالعزیز صاحب خلال
بسند خود از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که داخل مقابر شود و
سورهٔ یس بخواند از مردگان تخفیف عذاب شود و او را بعدد مردگان حسنات باشد و قرطبی
گفته که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بخوانید بر مردگان خود یس چه مشکو بیند و وقت
مردن بخوانند و عبدالواحد مقدسی گفته که نزد قبور بخوانند و محب طبری گفته که در هر دو حال
خوانند و در احیاء العلوم از احمد بن حنبل روایت کرده که وقتیکه در مقابر داخل شوند
فاتحه و معوذتین و قل هو الله احد خوانند و برای اهل مقابر گردانند بآنها رسد و بالا گذشته خواندن
فاتحه نزد سر میت و خاتمهٔ سورهٔ بقره نزد پای او از حدیث ابن عمر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
و اول سورهٔ بقره و خاتمهٔ آن از حدیث علا بن اللجلاج والله اعلم

باب احسن اوقات برای موت

ابونعیم از ابن مسعود روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم هر کرا اتفاق مردن
شد نزد تمامی رمضان یا تمامی عرفه یا دادن صدقه داخل بهشت شود و ابونعیم از خیثمه روایت
کرده که بودند سلف خوش میکردند آنها را مردن کسی نزد عمل صالح حج یا عمره یا روزه رمضان
یا جهاد و احمد از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که لا اله الا الله گفته
یا روزه داشته یا صدقه داده برای حق تعالی و بران ختم شد داخل بهشت شود و دیلمی
از عائشه رض روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که بروز جمعه یا شب جمعه مرد
از عذاب قبر پناه یافت و روز قیامت آید و بروی علامت شهدا باشد

باب در آنکه جسد انبیا و شهدا در قبر خاک نشود

حاکم و ابوداود از اوس بن اوس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بیشتر
درود فرستید بر من بروز جمعه پس هر آینه درود شما بر من عرض کرده خواهد شد گفتند
یا رسول الله چگونه عرض کرده شود بر تو و حالی که تو بوسیده یعنی خاک شده باشی فرمود
حق تعالی حرام کرده است بر زمین اجساد انبیا را و ابن ماجه از ابی الدرداء و مانند آن روایت
کرده امام مالک بیهقی وغیره روایت کردند که چون معاویه نهر آورد از راه جبل احد گفت کسی هر که
قتیل او آنجا مدفون باشد آنجا خبر گیرد مردم عمرو بن جموح و عبدالله بن جسو و عبدالله
بن عمرو بن حرام را از آنجا برداشته نقل مکان کردند بدنهای شان سالم برآمده تازه و بوی
مشک از آنخاک می آمد و کلند بپای حمزه رسید خون از ان جاری شد ازینجا معلوم میشود
که انبیا و شهدا را هر جند ارواح اعلی علیین باشند لیکن علاقه شان ببدن زیاده باشد
از انچه دیگری را باشد ولهذا آنها را احیا میگویند و همچنین باشد حال صدیقان و صالحان یعنی
اولیا و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مؤذن که برای
خدا اذان میکند مانند شهید آلوده بخون است و چون بمیرد کرم نشود در قبر او قرطبی گفته
که ظاهر آنست که او را خاک نخورد و ابن منده از جابر بن عبدالله روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم وقتیکه حامل قرآن می میرد وحی میکند حق تعالی بسوی زمین

که گوشت او را نخوری زمین گوید ای رب چگونه نخورم گوشت او را در حالیکه کلام تو در شکم

اوست ابن منده گفته که درین باب از ابی هریره و ابن مسعود نیز مرویست و مروزی از قتاده

روایت کرده که ما را رسیده است که زمین مسلط نشود بر جسدی که گناه نکرده باشد اقول

بندگان صالح یعنی اولیاء الله که قلوب و ابدان آنها صلاح یافته اند از گناهان محفوظ و معفو اند

زمین بر اجساد آنها هم مسلط نشود چنانچه شهدا را که سیف آنها را از گناهان پاک کرده است

والله اعلم والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله واصحابه اجمعین

وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین وعلی الملائکة المقربین وعلی عباد الله الصالحین برحمتک

یا ارحم الراحمین ؁

خاتمة الطبع سپاس خدایرا که در بندگان موت و حیات برای امتحان مقرر گردانیده و در قبور مطیعان

را به نعمت و عاصیان را به نقمت رسانیده و درود پیغمبر را که مومنان را مژده علیین و کافران را

بیم سجین داده و آل و اصحابش را که در راه تحصیل حسن خاتمه قدم فراتر نهاده اما بعد چون اهل

ایمان را دانستن حال موت و شناختن سعادت و وخامت عاقبت ضرورست تا در تحصیل حیات نو

حسن انجام کوشد و از اسباب سوء خاتمه پرهیزد لهذا احقر العباد محمد عبد الرحمن بن حاجی

محمد روشن خان اسکنه الله دار الجنان رساله متبرکه تذکرة الموتی والقبور تصنیف حضرت

علم الهدی علامة الوری قاضی محمد ثناء الله صاحب پانی پتی قدس سره که در

احوال اموات و قبور حسن تالیف یافته در مطبع نظامی در ماه صفر سنه ۱۲۷۹ بطبع در آورده

انشاء الله تعالی بعد ازین رساله تذکرة المعاد هم حلیه طبع پوشیده جلوه ظهور خواهد داد امید

چون ناظرین از مطالعه اش حظ بردارند مهتمم را بدعای حسن خاتمه یاد آرند فقط

وجه ختم خاتمه برای سند این معنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط نموده شد



العبد